



یادداشت
اهمیت سند جدید درباره غلامرضا تختی



تماشا
درباره فیلم مایسترو



توسعه
دولت با تجسس در حساب‌های بانکی به دنبال چیست؟

سیر خودکامگی



درباره کتاب
اقتدارگرایی ایرانی
در عهد پهلوی
نوشته محمود سریع القلم
که نشان می‌دهد
علل سقوط پهلوی‌ها
چه بود



سرمقاله

شمایل عدالت‌ورزی

در روزگار تندروی

به یاد ناصر آلاپوش که عمر خود را به حق طلبی گذراند اما گزارش مبتنی بر عدل و انصاف‌اش به عنوان بازرس پرونده «عباس امیرانتظام» مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت



محمد عطریان‌فر
عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگران سازندگی ایران

آشنایی بنده با خانواده آلاپوش درست نیم قرن پیش به سال‌های ۵۰ و ۵۱ بازمی‌گردد. نخستین حلقه این آشنایی با مرحوم «حسن آلاپوش»، برادر بزرگ‌تر آقای «ناصر آلاپوش» بود. در نیمه اول سال ۱۳۵۱ من برای تمهید مقدمات ورود به دانشگاه در کلاس کنکور دبیرستان خوارزمی، شرکت می‌کردم و منزلی در خیابان بوذرجمهری، محله درخونگاه داشتیم که با تعدادی از دوستان در آنجا زندگی می‌کردیم. برخی رفقا و هم‌خانه‌ای‌ها، کلاس کنکور می‌رفتند و بقیه هم بچه‌های مذهبی و سیاسی بودند که در آنجا محل بیتوته و ترددشان بود. در حقیقت این منزل مکان امن و تردد برخی از دانشجویان و انقلابیون بود و به وقت حوادثی که در دانشگاه رخ می‌داد، این منزل پناهگاه بعضاً عزیزانی بود تا در آنجا شبی را بگذرانند یا برای خروج از محیط ناامن و تور حساسیت‌های پلیسی که نگران بودند، این خانه را مأوا و مامن خود قرار می‌دادند. از جمله دوستانی که به آن خانه تردد داشتند، مرحوم آقای «حسن آلاپوش»، برادر بزرگ آقای «ناصر آلاپوش» و مرحوم فضل‌الله تدین و برخی چهره‌های دیگر از مجاهدین خلق در آن روزگار بودند.

خانواده آلاپوش، متدین و از مبارزین فعال و همگان دارای منزلت مذهبی و سیاسی بودند و به یمن این برکت و عزت خانوادگی، تجارب درخشانی در تلاش‌های سیاسی و انقلابی عصر خود داشتند. این خانواده ذیل تربیت، نظارت و آموزه‌های دینی و اخلاقی پدر ارجمند خود، «حاج غفار» بزرگ شدند. فرزندان این خاندان هر کدام بنا به تکلیف ملی و تشخیص سیاسی که داشتند در مقام خدمت به وطن و هموطنان به قدر استطاعت برآمدند و برای ایمان و آرمان انسانیت فعالیت کرده و گام‌هایی برداشتند.

مرحوم حسن آقای آلاپوش، پسر بزرگ این خانواده، چهره شاخص اما ناشناخته‌ای در تاریخ مبارزات سیاسی خون‌بار ملت ایران است. وی با مرحوم دکتر علی شریعتی و حسینیه ارشاد که مرکز جوشش هیجانانگیز ایمانی جوانان بود، ارتباط و تردد داشت و از دوستان بسیار نزدیک مرحوم شریعتی بود. خانم «محبوبه متحدین»، همسر آقای «حسن آلاپوش» که به توصیه مرحوم شریعتی با هم ازدواج کردند، اهل مشهد، ساکن تهران بود و مستعد مبارزه و دارای روحیات انقلابی و هر دو از چهره‌های تحصیل کرده دانشگاه در رشته‌های هنر و معماری بودند. اینان به همراه دوستانی چند، پایگاه مبارزات خود را در پوشش فعالیت حرفه معماری با تاسیس «شرکت مهندسان مشاور سمرقند» بنا نهادند و دوستان سیاسی و طرفداران دکتر شریعتی نیز با این شرکت در ارتباط بودند، کم‌اینکه بنده نیز به قدر اندک و با واسطه با این جمع آشنایی داشتم. در این شرکت چهره‌های دیگری از جمله مهندس میرحسین موسوی و مهندس عبدالعلی بازرگان فعال بودند و در کنارشان حسن و محبوبه، دو دل‌داده انقلابی عاشق!

«حسن و محبوبه» که زندگی‌شان پس از شهادت مضمون کتابی به همین نام به قلم دکتر علی شریعتی نیز هست به دلیل ارتباط‌شان با سازمان مجاهدین خلق، در سال‌هایی که تنگناها و خشونت پلیسی دام گسترده‌ای به وجود آورد به فاصله ۶ ماه حد فاصل مهر تا بهمن ماه در سال ۱۳۵۵ در تعقیب و گریز با نیروهای ساواک مورد اصابت گلوله قرار گرفته و هر دو کشته شدند. این دو چهره در خانواده آلاپوش واجد تاثیر و به تبع آنها، خواهر و برادران دیگر این خانواده نیز فعال بودند.

ادامه در صفحه ۲

میشل می‌آید؟

دموکرات‌ها اخیراً به این نتیجه محتمل رسیده‌اند که میشل اوباما، بانوی اول سابق آمریکا تنها کسی است که توانایی رقابت با دونالد ترامپ را دارد. اما آیا او حاضر است کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شود؟

امسال در اجلاس داووس، دو موضوع بیشترین توجه مقامات ۱۲۰ کشور جهان را به خود اختصاص داد. اول چگونگی مواجهه با هوش مصنوعی و دوم نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال میلادی جدید بود و پاسخ به این سوال که چه کسی قرار است رئیس جمهور بعدی آمریکا باشد؟ اگر ترامپ که این روزها در اغلب نظرسنجی‌ها پیش‌تاز است، رئیس جمهور بعدی آمریکا شود، بدون تردید فصل جدیدی در جهان آغاز خواهد شد و بسیاری از کشورها به خصوص کشورهایی که پیش از این با ترامپ مشکل داشتند، دچار چالش و دردهای عظیم خواهند شد...

احسان پناه‌پور
خبرنگار سازندگی

ادامه در صفحه ۸



سیاست

کسی به لیست مشترک فکر نمی کند

محمد قوچانی می گوید: غیر منطقی است که مسئول ردصلاحیت خبرگان و تجدیدنظرشان یکی باشند!



محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران با اشاره به ردصلاحیت حسن روحانی از غیرمنطقی بودن روند قانونی رسیدگی به شکایت کاندیداهای ردصلاحیت شده مجلس خبرگان می گوید. به گفته قوچانی اینکه در این قانون همان کسانی که رای به ردصلاحیت افراد داده اند، مسئولیت رسیدگی به شکایت های تجدیدنظر را نیز دارند، غیرمنطقی است و از پیش مشخص است که در تجدیدنظر نیز رای اولیه خود را تایید خواهند کرد.

قوچانی در گفت و گو با انصاف نیوز در این باره که حسن روحانی در این شرایط چه خواهد کرد و بازیگری دیگری جز کاندیداتوری در انتخابات آتی خواهند داشت، گفت: مبنای تلاش آقای روحانی بر این بوده که بین تلاش بخشی از حاکمیت برای انتخابات بدون رقابت که اقلیتی حاکم است و قهر مردم که اکثریتی عصبانی هستند، راه سومی ارائه بدهد. این امر هم بسته به یک نفر نیست. آن یک نفر مسئولیت خود را انجام داده و حالا بار آن مسئولیت از دوشش برداشته شده است. اما همان طور که در بیانیه شان هم اصرار و تاکید کرده اند، مبنای آقای روحانی بر این بوده که تا آنجا که ممکن و معنادار است رای اعتراضی بدهیم. یعنی اگر در حوزه های شخصی باشد که بتواند دیدگاه اصلاحات یا اعتدالی را پیش ببرد، بهتر است از او حمایت کنیم.

او همچنین در مورد تجدیدنظر و روند قانونی آن افزود: متأسفانه در آیین نامه مجلس خبرگان تجدیدنظر بر عهده همان کسانی است که رای اول را صادر می کنند. این درحالی است که استیضای همیشه به این معنا بوده که نهاد یا شخص یا شعبه دیگری بین شخصی که ردصلاحیت شده و شخصی که رای را صادر کرده، حکم شود. بنابراین فارغ از اینکه آقای روحانی در این مرحله چه تصمیمی بگیرند این روند قانونی غیرمنطقی است. طبیعی است کسانی که ایشان را ردصلاحیت کرده اند در رسیدگی به شکایت تجدیدنظر مجدداً به خود رای خواهند داد.

در ادامه این گفت و گو در پاسخ به این سوال که آیا راه حل دیگری جز تجدیدنظر وجود ندارد مثلاً در مواقع خاصی شاهد ورود رهبری بوده ایم. قوچانی گفت: من اصلاً در جایگاهی نیستم که در مورد چنین احتمالی قضاوت کنم. به نظر من چنین احتمالی اگر قرار بود اتفاق بیفتد تا به حال رخ داده بود. احساس می کنم از سال ۱۴۰۰ به بعد دیگر این جنس اعمال نظرها تمام شده اند و انتخابات کاملاً به شورای نگهبان و نهادهای مربوط به آن در وزارت کشور واگذار شده است. بعید می دانم چنین اتفاقی بیفتد.

هیچ کدام از احزاب اصلاح طلب هنوز به جمع بندی نرسیده اند. ظاهراً هنوز مواردی برای تایید صلاحیت ها و رسیدگی به شکایات وجود دارد. تا نتیجه گرفتن این موارد باید صبر کنیم. به هر حال گروهی از احزاب اصلاح طلب چنین تلاشی دارند اما با این عملکرد شورای نگهبان من بعید می دانم چنین اتفاقی بیفتد. به نظر من با مشورت احزاب اعتدال و توسعه و کارگزاران پیش خواهند رفت. فکر نمی کنم آقای روحانی مستقلاً لیستی ارائه بدهند.

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران همچنین در این باره که بخشی از اصلاح طلبان با حزب اعتدال و توسعه ریزینی هایی داشته اند به نظر تان چنین امکانی در مورد تیم آقای لاریجانی هم وجود دارد نیز گفت: من خبری ندارم که بتوانند بسا آقای لاریجانی به لیست مشترکی برسند یا در شرف چنین کاری باشند. بعید می دانم در این دوره چنین اتفاقی بیفتد. در این دوره فقط یک رفتار داریم؛ آنهایی که مربوط به حاکمیت اند و آنهایی که مستقل از حاکمیت اند. این مستقلین ممکن است از تیم آقای لاریجانی باشند یا از اصلاح طلبان باشند. شرایط به قدری بد است که فکر نکنم کسی به فکر لیست مشترک باشد. اگر قرار باشد لیستی ارائه شود هر کس غیر از اصولگرایان حاکم است با یکدیگر متحد خواهند شد.



رفع موانع نابابوری

ابراهیم رئیس‌ی: «رفع موانع و مشکلات درمان نابابوری»، «تسهیل امر ازدواج با پرداخت به موقع وام ازدواج، اشتغال و مسکن»، «توجه ویژه به ساخت خوابگاه های متهالی در دانشگاه ها» و «ایجاد دوره های آموزشی مهارت های زندگی در آموزش و پرورش و آموزش عالی با هدف کاستن از آمار طلاق» از دیگر نکات و اقدامات موثر در راستای جوانی جمعیت بود که رئیس جمهور در این جلسه به آنها اشاره کرد.

ادامه سرمقاله



حرکت یک جریان خطرناک

محمدتقی فاضل‌مبیدی: در ماجرای ردصلاحیت حسن روحانی، جریان پشت پرده دارد کار می کند و این جریان هیچ اعتقادی به انتخابات، رای مردم و دموکراسی ندارد و با یک انتخاب حداقلی صوری هم راضی است که قدرت و ثروت در دستش باشد. و الاً معنا ندارد کسی که حساس ترین مسئولیت های کشور را داشته، ردصلاحیت شود. اینها نشان دهنده حرکت یک جریان خیلی خطرناک است.



جشن غیرحاکمیتی انقلاب

محسنی اژه‌ای: در برگزاری مراسم دهه فجر باید از حداکثر ظرفیت های مردمی بهره گرفت و به مسائل واقعی مردم توجه کرد. جشن پیروزی انقلاب را با حداکثر ظرفیت مردمی برگزار کنیم تا از حاکمیتی شدن آن جلوگیری شود. چنانچه مسائل واقعی مردم را نادیده بگیریم از تاثیرگذاری حرفمان کاسته می شود. دستور داده ایم زمینه آزادی و ارفاق در قبال زندانیان و محکومان واجد شرایط فراهم شود.

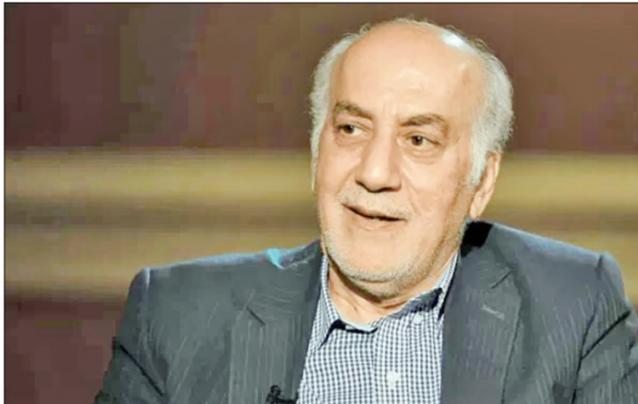
شمایل عدالت‌ورزی در روزگار تندروی

«سرور آلائی»، همسر محمدحسین اکبری آهنگر، فرزند دیگر این خانواده بود که این زوج هم به سازمان مجاهدین خلق وابستگی داشتند و هر دو در فرآیند فعالیت های مبارزاتی کشته شدند. فرزند دیگر خانواده آقای «مجتبی آلائی» او هم عضو سازمان بود و کشته شد. برادر دیگر «حسین آلائی» با نام مستعار «مرتضی» سالیانی در زندان بود. تصور می کنم هنوز در قید حیات باشد.

با مرور سوابق انقلابی خانواده آلائی به «ناصر آلائی» /علیرضا/ متولد سال ۱۳۲۸ می‌رسیم. من قبل از انقلاب با وی آشنایی نداشتم و بعد از پیروزی برای نخستین بار در سال ۵۹ با او آشنا شدم. وی دارای شخصیتی آرام، معتدل و دوست‌داشتنی بود. اولین نقش او به عنوان احدی از اعضای سه نفره شورای مرکزی جهاد سازندگی کشور بود. البته به موازات به طور نامنظم در همراهی با مقامات ارشد قوه قضائیه از جمله شهید بزرگوار آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور فعال بود. به واسطه اعتمادی که در این ارتباط به وجود آمده بود، مرحوم بهشتی به وی علاقه‌مند و به عنوان مشاور، موضوعاتی را به ایشان محول می‌کرد. «ناصر» از این رهگذر با دادستانی انقلاب هم مرتبط می‌شود و از جمله اقدام درخشانی که از او به یادگار مانده، نقش ممتاز وی به عنوان بازرس ویژه پرونده آقای «عباس امیرانتظام» و اعلام برائت او از جاسوسی بود.

در پی تسخیر سفارت آمریکا، برخی چهره‌های جوان دانشجویی خط امام به استنادی برخورد کردند که دلالت بر ارتباط افرادی از اعضای دولت موقت با سفارت داشت. متأسفانه به دلیل برخی رویکردهای افراطی و به بهانه وجود رد پای ملاقات برخی دولتمردان وقت با سفارت در اسناد، اشاراتی به ارتباط مرحوم امیرانتظام در این زمینه شده بود، در نتیجه آقای امیرانتظام ذیل اتهام جاسوسی بازداشت شد. در آن دوران، فضای روانی جامعه علیه دولت موقت بود و ایشان چون از چهره‌های برجسته و نزدیک به مرحوم بازرگان و سخنگوی دولت بود، در تله افتاد و به زندان رفت.

آقای امیرانتظام آدم سرسختی بود و اگر روحیه چالش‌گری آنچنانی وی نبود شاید پرونده اتهام جاسوسی راه دیگری می‌پیمود. در پی این بازداشت، دولت موقت درگیر مساله شد، دادستانی نیز ورود کرد و مرحوم آقای قدوسی، مأموریت بررسی ویژه اتهام جاسوسی را به آقای ناصر آلائی داد. ناصر به اتفاق یکی از دوستان هم‌راه، پرونده را در مقام بازرس ویژه بررسی کردند و در نهایت شهادت دادند که دیدار آقای امیرانتظام با مقامات سفارت نسبتی با جاسوسی ندارد اما در آن ایام، قضاوت و داوری آقای آلائی شنبه نشین نبود. موضع ایشان به اندازه‌ای صریح و شفاف و صمیمی بود که بسیاری در این رای قاطع دچار وقفه ذهنی شدند و



بنابراین موضع و داوری آقای آلائی، منشی جوانمردانه و بس ارزشمند است. رفتار آقای آلائی نشان از تدین و خشیت معنوی انسانی خودساخته بود و بی‌دلیل و به سادگی تحت تاثیر هیجانات و فضای روز قرار نمی‌گرفت و تلاش می‌کرد که واقعیت‌ها را به درستی بشناسد و بعد اظهار نظر کند. در گفت‌وگوهای مختلفی که بارها با او داشتم، می‌دیدم که هرگز تحت تاثیر فضای پیرامونی و گفتمان غالب نبود. با صبر و بردباری حرف‌های طرف مقابل را می‌شنید و نظر خود را صریح و صمیمانه مطرح می‌کرد. همواره منصف بود و داوری‌های درستی داشت. بسیار اهل رفق و مدارا بود، هیچ منیت و خودخواهی بر او غلبه نکرد. انسانی پرفضیلت، مجاهد، پراهمتمام، بلندنظر و اصیل بود که سعی می‌کرد خود را اسیر دایره مسائل خرد نکند. گفت‌وگو با دوستان نزدیک‌اش حکایت از روح عدالت‌خواه و حق طلب او دارد. در هیچ خط و گروه سیاسی ننگنجد و در اقلی بالاتر قرار گرفت. حضور در کنار شخصیتی همچون مرحوم شهید بهشتی یا دورانی که در مسئولیت مرکزی جهاد سازندگی بود و خدمات مهمی که در مناطق محروم داشت، دلالت بر همین روحیه عدالت‌طلبی‌اش است کم‌اینکه تمام طول عمر خود هر مظلومی که می‌دید، دفاع می‌کرد. او همچنین تجارب آموزشی خوبی داشت؛ تحصیل کرده دبیرستان علوی بود. ناصر به شدت تحت تاثیر دو شخصیت برجسته «مرحوم علامه کرباسچیان» و «مرحوم رضا

روزیه»، موسسین مدرسه بود. وی کنار این دو شخصیت در طول زندگی خود تحت تاثیر عارف سالک مرحوم «امیرزا اسماعیل دولابی» نیز بود. مرحوم آلائی از این سه شخصیت بهره‌های روحی، اخلاقی، معنوی و مدیریتی فراوان برد. وی در همان سال‌های ابتدای انقلاب خود را از دایره فعالیت‌های دولتی خارج کرد. احساس می‌کرد در میانه این میدان، حق طلبی و رضایت عامه در مناسبات حاکم وجود ندارد. وقتی حرفش درباره مرحوم امیرانتظام شنیده نشد باید از فضا دور می‌شد. همین شد که در عمل از دولت و نهادهای حکومتی فاصله گرفت و با برخی دوستان خود

و تحت تاثیر مرحوم روزیه به تاسیس مدرسه‌ای به نام «روزیه» همت گماشت. مجموعه‌ای فرهنگی و آموزشی که از کانون‌های آموزشی درجه یک و برجسته تهران است. بنده سالیان متمادی این مدرسه را دنبال می‌کردم و شاهد بودم خانواده‌هایی از متدینین طبقه متوسط شهری کهغدغه تحصیل فرزندان‌شان را داشتند به این مدرسه مراجعه می‌کردند که در رأس آن مدیریت دوست مرحوم ما ناصر آلائی بود. ایشان فارغ‌التحصیل ارشد مدیریت صنعتی از دانشگاه صنعتی شریف و مدتی نیز در وزارت نیرو مشاور بود. بخش عمده عمر خود را در سه دهه اخیر در مدیریت مدرسه روزیه طی کرد. در کنار این فعالیت نوعاً ذهن‌اش به مسائل خیر معطوف بود و برای رفع محرومیت در

کشور، گام‌های مهمی برمی‌داشت. ناصر پیش از انقلاب تجربه حضور در خارج از کشور را نیز داشت. با توجه به اینکه خانواده آلائی همه سیاسی و دیگر مبارزات انقلابی بودند، وی مدتی ایران را ترک کرد و با فعالان سیاسی و مبارزان ایرانی و عرب فلسطینی در منطقه لبنان و سوریه ارتباط داشت و در حلقه ارتباطی شخصیت‌هایی از جمله «مرحوم محمد منتظری»، «مهندس غرضی»، «علی جنتی»، «سراج‌الدین موسوی» و «سعید متقی» قرار داشت. این چهره‌ها در مقطعی تکیه‌گاه و پناهگاه مبارزینی بودند که به خطه فلسطین و سرزمین‌های عربی در منطقه شامات/لبنان و سوریه/سفر کرده و مورد حمایت و کمک آنها قرار می‌گرفتند. این ظرفیت بزرگی بود که آنها بذل می‌کردند و در اختیار دوستانی که از ایران به قصد ارتقا منزلت مبارزاتی خود می‌رفتند، قرار می‌گرفت.

فقدان ناصر عزیز بسیار غم‌انگیز و ناباورانه بود. ناصر بشاش، خوش چهره و خوش‌برخورد بود. روح امیدواری بالایی داشت به حدی که باور دوستان از جمله بنده این بود که با روحیه و ایمانی که داشت بر بیماری سخت سرطان غلبه کرده و نجات می‌یابد اما خداوند ایشان را پیش از ما دوست داشت و پیش خود برد و ما را در غم غربت او رها ساخت.

امیدواریم خداوند ایشان را در رحمت واسعه خود قرار دهد.

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

همکار ارجمند

جناب آقای رضا دولت‌زاده

مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

از درگاه باری تعالی برای ایشان، رحمت و غفران و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

شورای سیاست‌گذاری و هیات تحریریه روزنامه سازندگی



نگرانی کمیسر آنروا

فیلیپ لازارینی، کمیسر آنروا اعلام کرد که توقف حمایت‌های مالی چند کشور از این آژانس به دلیل اتهامات وارده از سوی رژیم صهیونیستی مبنی بر مشارکت آنروا در عملیات توفان‌الاقصی شوکه کننده است. او همچنین اذعان کرد اینکه برخی کشورها، حمایت‌های مالی خود را از آنروا قطع کرده‌اند آن هم به دلیل ادعاهای وارده علیه یک گروه کوچک از کارمندان ما، امری شوکه کننده و غیرقابل قبول است.



تمایل مسکوبه مذاکره

الکسی پولیشچاک از مقامات بلندپایه وزارت خارجه روسیه با اشاره به استقبال مسکو از پیشنهادات جدی برای حل و فصل دیپلماتیک مساله اوکراین، دولت کنونی این کشور را بازپس گرفته خواند. او عنوان کرد که در حال حاضر هیچ امیدی برای دریافت پیشنهادهای قابل تامل و تغییر رویکرد غرب درباره این موضوع وجود ندارد. زیرا دولت کنونی کی‌یف، عروسک خیمه‌شکاری غرب و در درجه اول واشنگتن، لندن و بروکسل است.



ادعای ترامپ علیه ناتو

دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا: ناتو تمایلی به حفاظت از ایالات متحده در مقابل تهدیدها ندارد. اگر زمانی آمریکا به کمک کشورهای عضو ناتو نیاز داشته باشد، فکر نمی‌کند که ناتو به کمک آن بیاید. سران این کشورها را می‌شناسم و می‌دانم که سران ناتو چه کسانی هستند. زمان جنگ چه کسی به ایالات متحده کمک خواهد کرد اما فکر نمی‌کنم که ناتو به ما کمک کند.

ماجرای جوی تازه اسرائیل

یک رسانه لبنانی فاش کرد که رژیم اسرائیل قصد دارد حمله گسترده و قریب الوقوعی را علیه لبنان تدارک ببیند



به گزارش رویترز از مرز لبنان، تنش‌ها میان حزب الله لبنان و رژیم اسرائیل از هفته گذشته و در پی حملات شدید اسرائیل به جنوب لبنان افزایش یافته است. سیدحسن نصرالله، دبیرکل و رهبر حزب الله لبنان نیز در یک سخنرانی روز شنبه گفت که اسرائیل «بهای این حمله را خواهد پرداخت». حزب الله لبنان اعلام کرد که فرماندهان میدانی این جنبش آماده پاسخ به حمله اسرائیل هستند. روز شنبه، رهبر این گروه گفت که اسرائیل باید پاسخگویی حمله پهنای ادعایی باشد و حزب الله برای رویارویی در هر سطحی آماده است. تنش‌ها در هفته گذشته پس از حملات پهنای رژیم اسرائیل در حومه جنوبی بیروت - منطقه‌ای که نیروهای حزب الله در آن مستقرند - افزایش یافته است.

حزب الله، اسرائیل را متهم کرد که پهنای مملو از مواد منفجره را به سمت استحکامات آنها به پرواز درآورده و یکی از آنها را بر پای دفتر رسانه‌ای حزب الله فرود آورده است. سیدحسن نصرالله اذعان کرد که این نقض حاکمیت لبنان است و همه گزینه‌ها در پاسخ به این حمله باز هستند. او در یک سخنرانی تلویزیونی گفت که اسرائیل «باید بهای آن را بپردازد» و «همه تهدیدها و اراغاب‌ها مانع از انتقام جویی مقاومت نمی‌شود». او به حامیان خود اطمینان داد که این گروه با تشدید تنش‌ها آماده شده است: «ما تعدادی موشک‌های هدایت شونده دقیق در لبنان داریم که برای هر رویارویی کوچکی با بزرگ نیاز داریم.» ارتش اسرائیل می‌گوید، حزب الله زرادخانه تخمینی ۱۳۰ هزار موشک و موشک دارد. نیروهای اسرائیلی در هفته گذشته در مرز لبنان مستقر شده بودند. حساب کاربری ارتش اسرائیل در شبکه ایکس تصویری از اعزام تانک‌ها و نیروهای زمینی منتشر کرد. اسرائیل حزب الله را قوی‌ترین تهدید نظامی در مرزهای خود معرفی کرده است. اسرائیل در سال ۲۰۰۶ پس از به اسارت گرفتن سربازان اسرائیلی از سوی حزب الله، جنگی ۳۳ روزه را علیه لبنان به کار بست و نزدیک به ۱۲۰۰ شهروند لبنانی عمدتاً غیر نظامی همچنین ۱۵۸ اسرائیلی کشته شدند. اکنون شبکه لبنانی LBCI در گزارشی مدعی است که یک کشور عربی (احتمالاً مصر یا قطر) اطلاعاتی را در اختیار حزب الله قرار داده است مبنی بر اینکه ارتش اسرائیل در عملیاتی نظامی قریب‌الوقوعی به طور گسترده به لبنان یورش خواهد بود. به نظر می‌رسد این ادعای شبکه لبنانی در روزهای اخیر و در پی تشدید درگیری‌های دو طرف در مرز لبنان بی‌راه نبوده است چرا که تلاش‌های دیپلماتیک برای حل مناقشه بی نتیجه بوده و اشتباهی کابینه تانیاهو برای ماجراجویی در منطقه نیز سبب تأخیر تلقی می‌شود. هفته‌های پیش رو برای اسرائیل و لبنان حیاتی است و احتمالاً نشان خواهد داد که آیا می‌توان از رویارویی

گسترده‌تر بین اسرائیل و حزب الله به صورت دیپلماتیک اجتناب کرد یا اجتناب‌ناپذیر است. اعضای کابینه اسرائیل بارها این احساس فوریت برای یورش به جنوب لبنان را ابراز کرده‌اند. بنی گانتز، عضو کابینه جنگ ۲۸ دسامبر اشاره کرد که «زمان برای راه‌حل دیپلماتیک در حال اتمام است». یوآو گالات، وزیر جنگ رژیم اسرائیل نیز در ۴ ژانویه گفت که پنجره فرصت دیپلماتیک در حال بسته شدن است و اسرائیل به نقطه تصمیم نزدیک می‌شود. هرزی هالوی، رئیس ستاد نیروهای ارتش اسرائیل نیز در ۱۷ ژانویه هشدار داد که خطر «جنگ در شمال» در حال افزایش است. مقامات اسرائیلی در گفت‌وگو با متحدان بین‌المللی نشان می‌دهند که ماه فوریه ممکن است، ماه تعیین‌کننده باشد.

فضای ملتهب ولی محتاط

بلافاصله پس از ۷ اکتبر، حزب الله در حمایت از حماس به درگیری‌ها پیوست. حداقل در حال حاضر، هم اسرائیل و هم حزب الله نشان می‌دهند که علاقه‌ای به تشدید تنش‌های گسترده‌تر، فراتر از مبادلات مرزی منظم موشکی و توپخانه‌ای ندارند. اما وخامت شرایط به یک درگیری گسترده‌تر امکان‌پذیر است. حزب الله تأکید می‌کند تا زمانی که جنگ در غزه ادامه داشته باشد به مقابله با اسرائیل ادامه خواهد داد. به موازات آن، اسرائیل تهدید به جنگ با حزب الله می‌کند در صورتی که اهداف آن برای بازگرداندن امنیت و امکان بازگشت ساکنان اسرائیل به جوامع خود در امتداد مرز برآورده نشود. اسرائیل ضمن اعلام آمادگی و آمادگی برای چنین جنگی، تمایل خود را برای اجتناب از این جنگ ابراز کرده است. آن‌طور که لیورجیات، سخنگوی وزارت خارجه رژیم اسرائیل مدعی است، موضع کابینه اسرائیلی این است که راه‌حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد و اگر راه‌حل دیپلماتیک امکان‌پذیر نباشد، آن‌ها رو به جنگ خواهند آورد. گانتز از «جهان و دولت لبنان» خواسته است تا راه‌حلی ارائه دهند. اما در عمل، چشمان اسرائیل به کاخ سفید دوخته شده است. میانجی‌گری آمریکا به رهبری فرستاده ویژه کاخ سفید، آмос هوخشتاین بیش از یک سال پیش موفقیت‌های چشمگیری به همراه داشت. توافق مرز دریایی اسرائیل و لبنان که در اکتبر ۲۰۲۲ از طریق گفت‌وگوهای غیرمستقیم دو جانبه و بدون به رسمیت شناختن متقابل به دست آمد، سابقه‌ای ایجاد و ثابت کرد که میانجی‌گری ایالات متحده زمانی می‌تواند موفق باشد که بر یک موضوع برد-برد خاص تمرکز و نیازهای دو جانبه را برطرف کند. امروز هوخشتاین یک بار دیگر در حال رفت و آمد در سراسر

منطقه است. احساسات تشدند هم در تل‌آویو و هم در بیروت ابراز می‌شود. ایالات متحده جلوگیری از شعله‌ور شدن بیشتر را مزیتی آشکار برای خود و منطقه می‌داند. بنابراین، جا برای این باور وجود دارد که می‌توان پیش از اینکه خیلی دیر شده باشد به راه‌حلی دیپلماتیک واقعاً دست یافت.

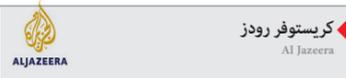
ادعای اسرائیل

تلاش ایالات متحده برای جلوگیری از تشدید تنش، تمرکز بر موضوعاتی است که حتی قبل از شروع جنگ فعلی در غزه عمدتاً مربوط به قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. اسرائیل ادعا می‌کند، موضوعات متعددی در این زمینه وجود دارد که بر اساس ادعای اسرائیل، برخی نیاز به حل و فصل کوتاه‌مدت دارند، در حالی که برخی دیگر ماهیت بلندمدت دارند. به نظر می‌رسد این قطعنامه شورای امنیت، بهانه لازم را به کابینه تانیاهو در شرایط بحرانی رو به وخامت منطقه داده است تا دست به ماجراجویی جدیدی در منطقه بزند. اسرائیل مدعی است که موضوع این قطعنامه برای موجودیت این رژیم حیاتی است. حضور حزب الله در جنوب رودخانه لیتانی و عملیات‌های آن در دفاع از مردم غزه علیه اسرائیل از آنجا را نقض قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت می‌داند. اسرائیل مدعی است که عقب‌نشینی نیروهای حزب الله از مرزها مؤلفه‌ای حیاتی برای هرگونه توقف خصومت‌ها و پیش‌نهاد صلح تلقی می‌شود. این رژیم که بیش از دو میلیون نفر را در غزه آواره کرده، اکنون مدعی است که حضور نظامی حزب الله در مرزها مانع از بازگشت ساکنان اسرائیلی به خانه‌هایی است که پس از حملات اخیر حزب الله، آن‌ها را تخلیه کرده‌اند. اسرائیل به دنبال عقب‌نشینی فوری حزب الله به شمال رودخانه لیتانی است. سال‌هاست که نیروی هوایی رژیم اسرائیل به بهانه مقابله با تلاش‌های حزب الله، حریم هوایی لبنان را نقض کرده است. در تازترین دور از این تحولات نیز اسرائیل با حملات هوایی خود شماری از فرماندهان حزب الله را در خاک لبنان ترور کرده است. این اقدامات همچنین شامل هدف قرار دادن کاروان‌های تسلیحاتی مرتبط با حزب الله بوده و در طول جنگ کنونی غزه، پروازهای را بر فراز بیروت برای اهداف بازدارنده نیز شامل می‌شود. ادامه فعالیت نیروی هوایی اسرائیل در داخل لبنان، به ادعای سران این رژیم، برای بازگرداندن و امنیت مرزهای خود عنوان شده است. اسرائیل فضای محدودی را برای مانور بر این ادعا می‌بیند چرا که فشار از جانب کاخ سفید بر کابینه اسرائیل نیز وجود دارد تا از هر گونه جنگی گسترده در منطقه جلوگیری کند.

دیدگاه: یادداشت خارجی

چالش دوحزبی آمریکا

بسیاری از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خارج از دوحزب بزرگ این کشور هستند



کریستوفر رودز
Al Jazeera

در ایالات متحده هر چرخه انتخابات ریاست جمهوری ناگزیر شامل مجموعه‌ای از نامزدهای مستقل / حزب ثالث می‌شود که آماده «تکان دادن رقابت» هستند. برخی از سال‌ها، تنها یک نامزدارد، مانند راس پرو در سال ۱۹۹۲، وجود دارد که به دنبال تغییر وضعیت موجود است. در سال‌های دیگر، تعداد زیادی از مردم را می‌بینیم که خارج از دو حزب بزرگ می‌دوند. به نظر می‌رسد که رقابت ۲۰۲۴ در دسته دوم قرار می‌گیرد. در واقع امسال ما مجموعه‌ای بسیار بزرگ داریم، از مستقل‌های واقعی مانند پروفیسور کرنل وست گرفته تا نامزدهای کوچک حزبی مانند جیل استاین، سرسخت حزب سبز تا افرادی در حاشیه احزاب بزرگ مانند رابرت کندی جونیور، دموکرات سابق. یک حزب ثالث یا نامزد مستقل هرگز در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده پیروز نشده است. در طول تاریخ ایالات متحده حتی محبوب‌ترین نامزدهای ریاست جمهوری شخص ثالث به جز ایجاد چند تیر و حذف آرا از یک حزب بزرگ به نفع حزب دیگر، دستاورد چندانی نداشته‌اند مانند نادر در سال ۲۰۰۰ یا استاین در سال ۲۰۱۶. با این حال هر چهار سال یک بار مردم از سراسر طیف سیاسی خود را به عنوان نامزدهای حزب سوم / مستقل معرفی می‌کنند و تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌ها به آنها رای می‌دهند و بسیاری دیگر می‌گویند که اگر این نامزدها شانس واقعی برای برنده شدن داشته باشند، آنها نیز به نامزدهای حزب ثالث / مستقل رای خواهند داد. عامل اصلی که دوام دوگانه حزبی را در ایالات متحده تضمین می‌کند حتی در لحظاتی که به نظر می‌رسد، رای‌دهندگان از هر دو حزب ناامید شده‌اند، نظام «رای‌گیری نخست‌گزینی» است که در کشور استفاده می‌شود. «رای‌گیری نخست‌گزینی» به این معنی است که نامزد / حزبی که بیشترین آرا را به دست آورده (خواه اکثریت باشد یا نباشد) برنده انتخابات است. همان‌طور که مورس دوروزر، دانشمند علوم اجتماعی فرانسوی ایجاد کرده است، این ترتیب انتخاباتی به دو دلیل اصلی، دوتایی‌های دوحزبی را مانند آنچه امروز در آمریکا می‌بینیم، ترویج می‌کند. اولاً این سیستم که در آن تنها یک نامزد صرفاً با داشتن یک رای بیشتر از رای‌دهنده بعدی، برنده می‌شود، احزاب کوچک را از شرکت در انتخابات بازمی‌دارد. هنگامی که سه یا چند حزب در چنین نظامی در یک مسابقه هستند، آنها انگیزه آشکاری برای متحد شدن، ترکیب پایگاه‌های رای خود و در نتیجه شکست دادن حریف مشترک خود دارند. این منطق که عموماً قبل از اینکه رای‌دهندگان رای دهند، اجرا می‌شود به سرعت لیست بلندبالایی از احزاب بالقوه را به دو بلوک کاهش می‌دهد که پس از انتخابات با یکدیگر رقابت می‌کنند. ثانیاً در سیستم‌های اول و آخر، مردم اغلب در دادن رای خود به حزب کوچکی که انتخاب می‌کند به تهنیتی در انتخابات شرکت کند، تردید می‌کنند. حتی اگر آنها پیشنهادها سیاستی یک حزب کوچک را بیشتر از همه دوست داشته باشند از ترس «هدر دادن» رای خود در حزبی که هیچ شانس برای پیروزی در انتخابات ندارد، در عوض به نامزد اصلی حزبی رای می‌دهند که برایشان قابل قبول‌ترین است. با این وجود بسیاری از کشورهای دیگر با سیستم‌های «پنجمه‌تر» خود به خوبی عمل می‌کنند و چندین حوزه انتخابیه در ایالات متحده با موفقیت تغییرات عمده‌ای را در قوانین انتخاباتی به تصویب رسانده‌اند. آلاسکا و مین در حال حاضر برای انتخابات فدرال و ایالتی از «رای‌گیری انتخابی رتبه‌بندی شده» استفاده می‌کنند که در آن رای‌دهندگان به جای اینکه صرفاً به یک انتخاب برتر خود رای دهند، یک رتبه‌بندی منظم را به نامزدها اختصاص می‌دهند. نیویورک بزرگ‌ترین منطقه در میان دهها منطقه شهری است که در برخی از انتخابات محلی خود نیز از این سیستم استفاده می‌کند. علاوه بر این مرکز تحقیقات پیو خاطر نشان می‌کند که تعدادی از حوزه‌های انتخابیه در سراسر ایالات متحده از روش‌های رای‌گیری جایگزین در مقطعی از تاریخ استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال در نیمه اول قرن بیستم، تعدادی از شهرها از رای واحد قابل انتقال (STV) استفاده کردند، نسخه‌ای از رای‌گیری انتخابی رتبه‌بندی شده با مناطق چند عضو که به طور خاص با هدف تضمین نمایندگی تناسبی انجام می‌شود. این روش عمدتاً به دلیل خصومت با اقلیت‌های نژادی و قومی که از این سیستم سود می‌برند، متوقف شد، نگرانی‌ای که امیدواریم از آن زمان در سراسر ایالات متحده کمتر شده باشد. پیو خاطر نشان می‌کند که در دهه‌های اخیر، دهها حوزه انتخابیه ایالتی و محلی، سیستم‌های رای‌گیری جایگزین نوعی را اتخاذ کرده‌اند که اغلب به دلیل تقاضای عمومی است.

دریچه: تحلیل عادات

صدای تختی

سند منتشر شده درباره تختی چه اهمیتی دارد؟



حسن محرابی
پژوهشگر

از حدود دو سه سال پیش (البته به نحو جدی‌تر از سال پیش) سروصدای عجیبی راه افتاده بود در مورد پخش صدای غلامرضا تختی، کشتی‌گیر و ورزش‌کار نامدار کشورمان و وعده‌های مکرری در مورد رونمایی از این اثر تاریخی یگانه ارائه می‌شد تا این‌که بالاخره امسال این صدا (صدا که چه عرض شود!) پخش شد. بعد از انتشار این اثر متأسفانه نکته اصلی در پشت خوشحالی ناشی از انتشار صدای تختی نادیده گرفته شد. نکته اصلی اینجاست که سند تاریخی و نیز چهره‌هایی مانند تختی حداقل از دیدگاه تاریخی حرمت دارند. بازی با افکار عمومی در قالب وعده انتشار یک سند بی‌نظیر در مورد تختی به طور کلی کار درستی نیست!

وقتی وعده انتشار یک سند بی‌نظیر می‌دهیم، مردم از خودشان می‌پرسند: آیا گنج گران‌بهای پیدا شده؟ آیا زمینه اطلاع و آگاهی مردم از یک قطعه از تاریخ ارزشمند فراهم شده است؟ آیا وقتی سند منتشر شد، مردم از دستیابی به این سند با اهمیت احساس غرور و افتخار می‌کنند؟

وقتی وعده انتشار یک سند را می‌دهیم، مردم با هیجان جست‌وجوی بخشی از تاریخ همراه می‌شوند به همین دلیل است که آن سند باید ارزش و اعتبار بالایی داشته باشد. انتشار اسنادی مانند پخش صدای یک ورزش‌کار فقط حالت سنیدیت و جنبه تاریخی ندارد. مردم از جنبه گردآوری کلکسیون که یک علاقه و عادت گسترده اجتماعی است به آن سند توجه می‌کنند. به‌طور کلی گردآوری اسناد تاریخی تماماً در مورد احترام به گذشته است و گردآورنده اغلب قصد دارد به حفظ لحظه‌ای ارزشمند در زمان کمک کند. به همین جهت یک کلکسیونر عاقل همیشه قبل از جست‌وجوی هر قطعه ارزشمند تاریخی به دقت تحقیق و تجزیه و تحلیل می‌کند و باید آن قطعه تاریخی (صدا، تصویر، نوشته، گلدان و...) استانداردهای بالایی داشته باشد زیرا در این‌جا وقتی ادعای یگانگی بودن، منحصر به‌فرد بودن و اولین بودن، مطرح می‌شود آن قطعه تاریخی باید خیلی ارزشمند باشد.

می‌دانیم که اسناد تاریخی فقط تکه‌های کاغذ یا یک قطعه صدا و یک تکه سنگ نیستند بلکه اسناد تاریخی پایه و اساس تفکر تاریخی هستند و معنا و ارزش آن‌ها در پاسخ‌گویی به سوالات مطرح شده و تحلیل انجام شده از آن‌ها بستگی دارد. مثلاً در مورد قطعه صدای مرحوم تختی انتظار این بود که پاسخی به سوالات مطرح شده در مورد زندگی و مرگ تختی باشد یا چهره جدیدی از او در حوزه ورزش ارائه دهد یا به ناگفته‌های اشاره شود. در حقیقت یک سند تاریخی زمانی که به سوالات پاسخ می‌دهد و روشن‌گری می‌کند، ارزشمند می‌شود.

نکته مهم در مورد صدای تختی آن است که باید با شرح و توضیح کامل این صدا منتشر می‌شد زیرا اسناد تاریخی که به عنوان منابع اولیه نیز شناخته می‌شوند اغلب حول وحوش وقایعی که مردم در موردش مطالعه می‌کنند، تولید می‌شوند. این‌ها شواهد مستقیم یا دست اولی در مورد یک رویداد، شی، شخص یا اثر هنری ارائه می‌دهند. اسناد می‌توانند آنچه که خالق آن‌ها در مورد رویداد مشاهده کرده یا باور کرده است، منعکس کنند. آیا صدای تختی یک منبع دست اول در مورد یک واقعه تاریخی است؟ اگر هست کدام واقعه و در چه موردی است؟ این سوالات زمانی پاسخ داده می‌شوند که توضیحات دقیق در خصوص این سند ارائه می‌شد. مردم ممکن است، دقت و ریزینی در مورد صحت سند وجود نداشته باشند اما وقتی ما آن را برای تاریخ ارائه می‌کنیم مورخان به تجزیه و تحلیل ارزش این سند خواهند پرداخت. در این صورت اگر یک مورخ بیشتر به کار آگاهی نزدیک است که در جست‌وجوی اصالت و کشف حقیقت موجود در پشت اسناد تاریخی است. در مورد صدای تختی باید در آخر اشاره کرد که شنونده فقط یک جمله را می‌شنود و یا می‌تواند، متوجه شود. تختی می‌گوید: «من تعظیم عرض می‌کنم.» تنها همین جمله به عنوان صدای تختی و یک سند در مورد تختی با حداقل دو سال وقفه ارائه شده است. ارائه اسناد تاریخی برای نسل‌های آینده ضروری است زیرا اطلاعات ارزشمندی درباره افراد، رویدادها، مکان‌های جغرافیایی و جنبش‌های اجتماعی که جوامع ما را در طول زمان تعریف کرده‌اند، ارائه می‌کنند. پس در مورد انتشار آنچه که به اسم اسناد تاریخی منتشر می‌کنیم باید بیشتر دقت کرد!

نکوداشت شاپور جورکش

مراسم نکوداشت زنده‌یاد شاپور جورکش، شاعر، مترجم و منتقد ادبی که مرداد ماه امسال از دنیا رفت به مناسبت رونمایی از شماره سی‌ام مجله «اوز دنیا» با همکاری این مجله و انتشارات ققنوس امروز (دوشنبه، ۹ بهمن ۱۴۰۲) از ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار می‌شود. این مراسم با سخنرانی غنایت سمیعی، حافظ موسوی، حسینعلی نودری، کورش کمالی‌سروستانی، محمود طراوت‌روی و زهره حسین‌زادگان در کافه کتاب ققنوس برگزار می‌شود.

دشواری‌های جشنواره فراگیر

عبدالجبار کاکایی: فراگیر شدن جشنواره شعر فجر با وارد کردن همه طیف‌های موجود ادبیات بدون در نظر گرفتن موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و سوابق شاعران اتفاق می‌افتد اما زمانی که برگزاری جشنواره‌ای با حضور شاعرانی از طیف‌های خاص است دیگر بحث فراگیر کردن جایب ندارد. آیا وزارت ارشاد این ظرفیت را دارد که از همه طیف‌های موجود برای حضور در جشنواره دعوت کند؟ آیا اگر دعوت کند آن‌ها می‌پذیرند یا نفاهم دارند؟

حمله به مونا لیزا

دو معترض از یک گروه محیط‌زیستی روز یکشنبه با پرتاب سوپ به روی تابلو نقاشی «مونا لیزا» به این شاهکار هنری حمله کردند؛ البته به نظر می‌رسد با وجود شیشه محافظی که در مقابل تابلو قرار دارد، سوپ مستقیماً به نقاشی برخورد نکرده باشد. دو زن که روی لباس‌هایشان عبارت «FOOD RIPOSTE» نوشته شده است، سوپ را به سمت شیشه‌ای که از شاهکار لئوناردو داوینچی محافظت می‌کند پرتاب می‌کنند.

سیر خودکامگی

محمود سریع‌القلم در اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی به تحلیل روند اقتدارگرایی پهلوی اول و دوم می‌پردازد

محمود سریع‌القلم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان توسعه در ایران در مجموعه کتاب‌های «اقتدارگرایی ایرانی» بر آن است که از مباحث نظری توسعه فراتر رود و علل و مصادیق توسعه‌نیافتگی ایران را در بستر تاریخی مورد کنکاش قرار دهد. کتاب «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» ادامه «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» است و به بازخوانی تاریخ پهلوی از منظر اقتدارگرایی می‌پردازد. نشر فرزنان روز به‌تازگی ویرایش تازه‌ای از این کتاب را منتشر کرده است. چاپ نخست «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» را انتشارات گاندی سال ۱۳۹۷ در ۳۲۸ صفحه منتشر کرد و در ویرایش تازه ۲۸۴ صفحه است.

این کتاب از یک زاویه خاص به بررسی عملکرد دوران پهلوی پرداخته است و بالخصوص تحقیق در نظام مدیریت آنان و اینکه رضاشاه و محمدرضاشاه چگونه تصمیم‌گیری می‌کردند و پیامدهای تصمیمات آن‌ها چه بود. پهلوی اول و دوم سامان‌فکری و سیاسی خود را بنا کردند و به اوج قدرت رسیدند اما کشوری که می‌خواهد مدرن شود به بیش از اقتدارگرایی فردی یک پادشاه نیاز دارد. حکمرانی محتاج یک سیستم است. سریع‌القلم در این کتاب ضمن تحلیل نظام مدیریت و تصمیم‌گیری دوران پهلوی به علل سقوط نظام حکومتی این دوره نیز می‌پردازد.

ویژگی‌ها و علل اقتدارگرایی ایرانی

سریع‌القلم در پیش‌گفتار «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» معتقد است، اقتدارگرایی ایرانی برخلاف آنچه بعضی تصور می‌کنند ضرورتاً یک پدیده دولتی نیست بلکه در ناخودآگاه فرهنگ عمومی جاری و فعال است. سریع‌القلم هم‌چنین معتقد است برخلاف مبانی نظری برخی نویسندگان ایرانی که توسعه سیاسی را شرط خروج از اقتدارگرایی می‌دانند، تاریخ شرق اروپا، آمریکای لاتین، ترکیه و شرق آسیا نشان‌گر این حقیقت است مادامی که مردم به‌لحاظ معیشتی گرفتار حقوق دولت هستند، فرصت فکر کردن مستقل و تغییر مستقل را پیدا نخواهند کرد. او در پیش‌گفتار «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» می‌نویسد ایرانیان در بسیاری از حرفه‌ها و تخصص‌ها مانند معماری، مهندسی، پزشکی، ادبیات، فلسفه، هنر و... نه تنها در داخل بلکه در سطح بین‌المللی به موفقیت‌ها و رکوردهای قابل توجهی رسیده‌اند اما در سیاست‌ورزی و حکمرانی جزو ناکام‌ترین ملت‌های جهان هستند. او علل اصلی ناکامی ایرانیان را در دو علت اصلی و چهار علت فرعی نام می‌برد که معلول آن دو علت هستند. دو علت اصلی عبارتند از: فقدان مدیریت شفاف اقتصادی و فقدان ساختار سیاسی مردم‌شمول و چهار مورد دیگر را افکار مختلف، فرهنگ، جغرافیا و شخصیت می‌داند و می‌نویسد: «حداقل ۷۰ سال است که کانون حکمرانی و سیاست‌ورزی در جهان، اقتصادی است. به محض این‌که رشد و توسعه اقتصادی هدف اصلی یک کشور نشد، مشکلات شروع می‌شود. تجربه جهانی می‌گوید: امنیت و سیاست خارجی باید تابع اقتصاد باشند. مردم هر کشوری زمانی به سیاست خارجی و امنیت ملی روی می‌آورند که اقتصاد کشور آن‌ها سالم، توزیعی و دارای شمولیت باشد.» به اعتقاد او پهلوی دوم علی‌رغم توجه به توسعه عمرانی و اجرای ده‌ها پروژه در کشور اما توجه اصلی را صرف مسائل نظامی و منطقه‌ای کرد و قدرت‌نمایی نظامی با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شیراز در مهر ۱۳۵۰ هم‌زمان شد و می‌نویسد: «خیز آریزیسیون مارکسیستی و مذهبی پس از جشن‌های شیراز به‌واسطه حاشیه‌نشینی شهرها، عدم توازن و برنامه‌ریزی اقتصادی، تمرکز بر نظامی‌گری، وابستگی به آمریکا و بی‌توجهی به فرهنگ بومی دو چندان شد.» سریع‌القلم سقوط پهلوی را در نهایت



یک نفر خلاصه شده بود.» و درباره پیامدهای نهادینه شدن اقتدارگرایی می‌نویسد: «بسیاری از حکومت‌های پهلوی، حکمرانی را فرصتی برای زندگی خوب می‌بینند و نه وظیفه و مسئولیت. بی‌تفاوت می‌شوند. محافظه‌کار می‌شوند. فاصله می‌گیرند. بعضی به بخش خصوصی مهاجرت می‌کنند. بعضی کشور را ترک می‌کنند.» او در فصل دوم و سوم کتاب نشان می‌دهد چگونه کارگزاران خود را با اولویت‌ها و خواسته‌های شاه منطبق می‌کردند و قضاوت‌ها و سنجش‌ها خودشان را در عملکردشان نادیده می‌گرفتند. به اعتقاد سریع‌القلم اقتدارگرایی فردی ممکن است دارای سه نوع اشتباه رفتاری، ساختاری و مفهومی باشند و در کارنامه و عملکرد پهلوی اول و دوم هر سه نوع اشتباه دیده می‌شود: رفتاری (نقدناپذیری و اصرار بر خودرأی بودن)، ساختاری (تصمیم‌گیری فردی) و مفهومی (تلقی نادرست از روندها، موضوعات، مشکلات) و شاید از همه مهم‌تر سنتز و کنار هم گذاشتن مسائل و اولویت‌بندی و روش حل مسائل.

همان‌گونه که ابتدا هم اشاره شد از نظر سریع‌القلم در مراحل اولیه رشد و توسعه، سامان سیاسی در پیشرفت یک کشور به مراتب از توسعه سیاسی یا دموکراسی مهم‌تر است. منظور او از سامان سیاسی، ایجاد ثبات رویه‌ای و سیاست‌گذاری از طریق مطالعه، کار تخصصی، اجماع‌سازی سپس آمادگی جمعی برای اصلاح سیاست‌ها به تناسب تغییر شرایط و تحولات است. سریع‌القلم می‌گوید اگرچه پروژه‌های عمرانی در هر دو دوره پهلوی به‌خوبی پیش رفت اما حکمرانی فقط در پروژه‌های عمرانی خلاصه نمی‌شود. به اعتقاد او بهاداد به بخش خصوصی از اوایل دهه ۱۳۵۰ رو به کاهش گذاشت و ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه‌یافتگی نادیده گرفته شد. خلاصه این‌که از نظر سریع‌القلم حرکت در مسیر توسعه و توسعه‌یافتگی مستلزم یک ساختار اقتصادی و اجتماعی منسجم و پسامان است و با دیکتاتوری منور و اقتدارگرایی فردی توسعه محقق نمی‌شود. یکی از نکات جالب کتاب‌های سریع‌القلم تقدیم‌نامه‌های آن‌هاست. «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» تقدیم شده بود به ایرانیان زیر ۱۰ سال که در آینده برای کسب ثروت به نهاد دولت نزدیک خواهند شد و... «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» هم تقدیم شده به ایرانیانی که در سال ۱۴۲۷ زندگی خواهند کرد به‌طوری که در انتخابات مردم به احزاب رأی خواهند داد نه افراد و... آرزوی دیگر را هم ذکر می‌کند و در نهایت در سسی‌آمین و آخرین آرزوی می‌نویسد: «و در نتیجه: اعتماد، صداقت، همکاری مدنی، نهاد خانواده و راستگویی در کشور فراگیر خواهد شد.»

ناشی از اقتدارگرایی فردی تلقی می‌کند و می‌نویسد: «کشوری که می‌خواهد مدرن شود و پیشرفت کند نمی‌تواند همه امور خود را در ذهن، مصالح، دیدگاه‌ها و سلاقی یک نفر خلاصه کند و این کانون نظری بحران‌های هر دو پهلوی است.»

سلب فرصت دیده شدن

سریع‌القلم در فصل اول به چارچوب نظری موضوع پرداخته و در فصل دوم و سوم به رابطه میان تحولات و نظام تصمیم‌سازی در پهلوی اول و دوم پرداخته و برای مستند کردن مباحث از نقل‌قول‌های فراوانی استفاده کرده تا روح و محتوای هر دو سیستم معرفی شود و فصل چهارم را به نتیجه‌گیری اختصاص داده است. نویسنده «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» معتقد است، رضاشاه از سال ۱۳۱۳ به بعد فرصت دیده شدن افراد را نداد و محمدرضاشاه از سال ۱۳۴۸ به بعد چنین فرصتی را از جامعه و حتی اطرافیان خود سلب کرد و می‌نویسد: «حکومت تک نفره با پیشرفت سازگار نیست. سلطنت به عنوان قوه مجریه نیز با پیشرفت هم‌خوانی ندارد. در فرانسه، فرد رئیس‌جمهور بسیار قدرتمند است اما این‌که صدراعظم آلمان نیز چنین جایگاهی دارد اما هر دو با صدها نهاد تخصصی و مشورتی کار می‌کنند و به تصمیم می‌رسند. این در ایران بعد از ۱۳۱۳ و ۱۳۴۸ به تدریج به اقتدارگرایی فردی رسید.»

به اعتقاد سریع‌القلم پیشرفت ابتدا مشارکت درون‌نخبگی می‌طلبد و به تدریج مشارکت عمومی: «با کاهش مشارکت نخبگی در دو پهلوی، مشکلات روی هم انباشته شدند و اشتباهات رو به افزایش گذاشت زیرا مسئولیت حکمرانی در



اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی
محمود سریع‌القلم
نشر فرزنان روز
۲۸۴ صفحه/۴۰۰ هزار تومان



اعلام قیمت بلیت جشنواره

قیمت بلیت سینماهای مردمی چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اعلام شد. براساس تصمیم کمیته نمایش چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، نرخ بلیت فیلم‌های جشنواره در سینماهای راگا، شکوفه، تماشا، کیان، کوثر، هنرپیشوا، نسیم شهر، فجر اسلام شهر، مدراس و پرند مبلغ ۵۰ هزار تومان و سایر سینماهای مردمی مبلغ ۶۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است.



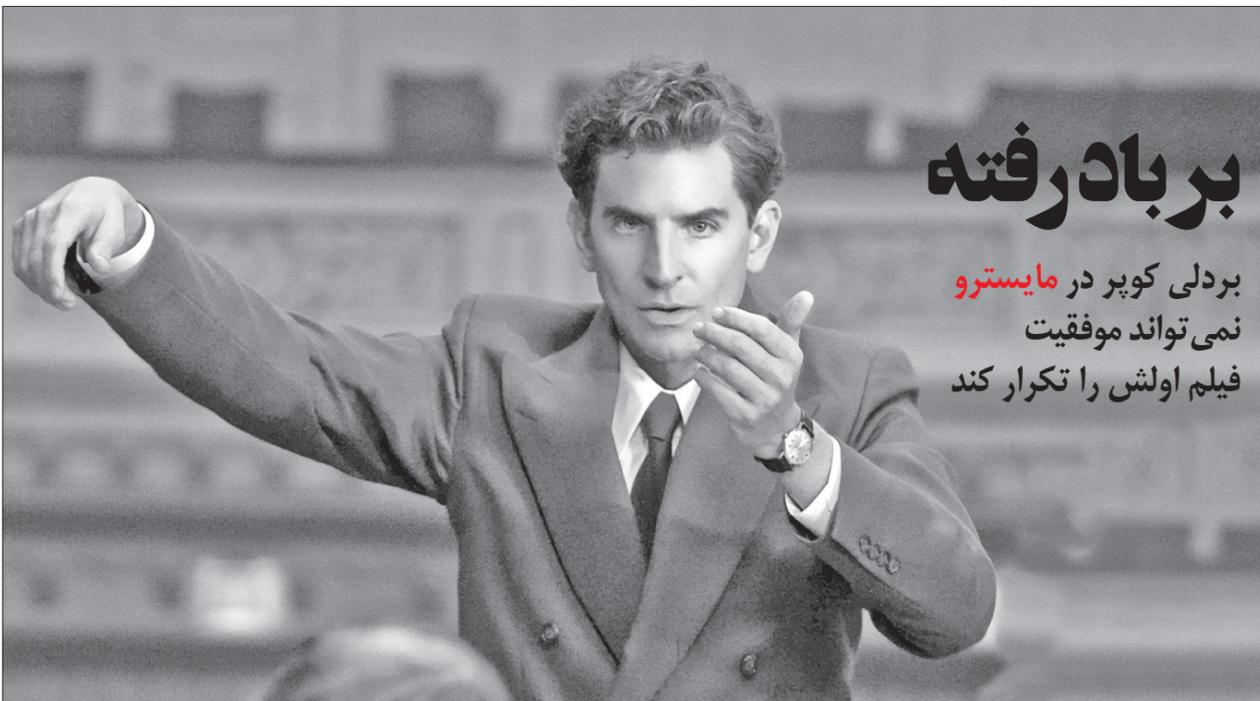
تقدیر از اسکورسیزی و آهنگسازش

انجمن آهنگسازان و ترانه‌سرای آمریکاد در مراسم امسال خود از مارتین اسکورسیزی و رابی رابرتسون فقید با اهدای جایزه روح همکاری تجلیل می‌کند. این جایزه برای گرامیداشت رابطه آهنگساز / کارگردانی که مجموعه‌ای از آثار شگفت‌انگیز را با همکاری هم خلق کرده‌اند، اهدا می‌شود. این دو در فیلم‌هایی چون «گاو خشمگین»، «شاترلاند»، «گرگ وال استریت» و «قاتلان کامل ما» با هم همکاری داشته‌اند.



همکاری مایکل بی جردن با گوگلر

مایکل بی جردن، بازیگر رنگین‌پوست سینما یک بار دیگر با رایان گوگلر در یک فیلم سینمایی تازه همکاری می‌کند. همکاری جدید این دو هنرمند فعلاً نامی ندارد و براساس فیلمنامه‌ای از گوگلر جلوسوی دورین می‌رود. این فیلم تازه پنجمین همکاری مشترک این دو به عنوان بازیگر و کارگردان به حساب می‌آید. نزدیکان جردن گفته‌اند، فیلم حال‌وهوایی اجتماعی دارد.



بر باد رفته

بردلی کوپر در مایسترو
نمی‌تواند موفقیت
فیلم اولش را تکرار کند

بردلی کوپر در سال ۲۰۱۸ با اولین فیلم بلند سینمایی خود در مقام کارگردان، «ستاره‌ای متولد می‌شود»، نشان داد که علاوه بر بازیگری توانا، نویسنده و کارگردانی مستعد است. فیلمی که در نودویکمین دوره جوایز اسکار ۸ نامزدی دریافت کرد و حتی کاندیدی اسکار بهترین فیلم شد. کوپر بعد از ۵ سال با درام زندگی‌نامه‌ای رهبر ارکستر، دوباره روی صندلی کارگردانی نشست و نقش آهنگساز افسانه‌ای لئونارد برنستاین را ایفا کرد.

در ابتدای این پروژه، استیون اسپیلبرگ در نظر داشت که این فیلم را کارگردانی کند و به دنبال بازیگری مناسب بود. در این راستا، او به بردلی کوپر مراجعه کرد. اما پس از اکران فیلم «ستاره‌ای متولد می‌شود» یکی از بهترین فیلم‌ها درباره موسیقی دانان در سال ۲۰۱۸، اسپیلبرگ تصمیم گرفت عنوان کارگردان را به بردلی کوپر بسپارد. احتمالاً او هم با این تصور که کوپر می‌تواند فیلمی درخوردار یک آهنگساز برجسته آمریکایی بسازد این کار را به او سپرده است اما خب «مایسترو» به خوبی نشان داد که اگر یک بازیگر در ساخت فیلمی یک بار موفق ظاهر شود، این تجربه لزوماً برای دومین بار تکرار نخواهد شد و شرط‌ها و الزامات بیشتری از یک بازیگر و کارگردان خوب برای ساخت یک فیلم زندگی‌نامه‌ای موفق وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها شناخت درام خوب از بد و پشت هم ردیف کردن اتفاقات دراماتیک مناسب یک فیلم دو ساعته برای شرح حال و زندگی یک چهره شاخص موسیقایی است.

لئونارد برنستاین رهبر، آهنگساز، پیانیست، مدرس موسیقی و مؤلف آمریکایی بود. او را یکی از مهم‌ترین رهبران ارکستر زمان خود می‌دانند و نخستین رهبر ارکستر آمریکایی بود که مورد تحسین بین‌المللی قرار گرفت. برنستاین در دانشگاه هاروارد تحصیل کرد و با کار در فیلارمونیک نیویورک شهرت یافت. او رهبر ارکستر موسیقی کلاسیک در جهان بود و آثار زیادی نوشت که از مشهورترین آنها می‌توان به نمایش‌های موزیکال «داستان وست ساید»، «پیتربین و شهر شگفت‌انگیز»، «ایرلی کندی» و موسیقی فیلم «در بارانداز» اشاره کرد. برنستاین با کارگردانان بزرگی از جمله «آلفرد هیچکاک» (در فیلم «پنجره رو به حیاط») همکاری داشته است.

«مایسترو» با رهبر ارکستر، وقایع‌نگاری از زندگی لئونارد برنستاین است و زندگی حرفه‌ای او به عنوان آهنگساز و زندگی شخصی او از جمله ازدواج و تمایلات عاطفی او را به تصویر می‌کشد. این فیلم با تمرکز بر رابطه برنستاین و همسرش

فلیشا ماتیلگره، چندین دهه از زندگی این موسیقیدان را در برمی‌گیرد. در واقع پیش از تماشای این فیلم باید بدانید که این اثر بیشتر درباره روابط شخصی و خانوادگی این آهنگساز است تا هنر و قابلیت‌های او در آهنگسازی. هالیوود انگار مدت‌هاست که در پشت پرده به عده‌ای تعهد داده تا درباره دگرباشان جنسی فیلم بسازد و بازیگران و کارگردانان شاخص را به ساخت آثاری درباره آنها تشویق کند. اگر با این نگاه به سراغ «مایسترو» برویم بدون شک این فیلم یکی از مهم‌ترین آثاری است که با این هدف تولید شده و انگار تصمیم بر این بوده که پیش از اینکه تماشاگر با هنر این آهنگساز روبه‌رو باشد با روابط خارج از عرف او مواجه شود.

فیلم بیش از هر چیز دو بازیگر خوب دارد که کوپر البته به مدد گریم سنگینی که دارد و او را به خصوص در سنین میانسالی به شدت شبیه برنستاین کرده به همراه زوج مکملش کری مولیگان بازی خوبی ارائه داده است اما اگر تصور می‌کنید این فیلم خاطرات خوش و دلنشین تماشای «ستاره‌ای متولد می‌شود» را با بازی جذاب و به یاد ماندنی کوپر و لیدی گاگا برای شما تکرار خواهد کرد، سخت در اشتباهید و بهتر است اصلاً به تماشای «مایسترو» نشینید چراکه هیچ شباهتی با آن فیلم ندارد و شما را دلزده خواهد کرد.

کوپر زندگی این آهنگساز را با تمهید سیاه و سفید و رنگی کردن تصاویر قدیمی و جدید جلو دوربین برده. تمهیدی که مدتی است در هالیوود مد شده و از فیلم زندگی‌نامه‌ای «بلوند» درباره «مرلین مونرو» تا همین «مایسترو» و «او پنهایمر» مدام تکرار می‌شود. فیلمنامه این فیلم را بردلی کوپر و جاش سینگر نوشته‌اند. دقیقاً مشخص نیست، کوپر برای چه تیم فیلمنامه‌نویسی «ستاره‌ای متولد می‌شود» را تغییر داده است. شباهت‌های آن فیلم به «مایسترو» غیرقابل کتمان است و آن تیم هم توانسته بود، فیلمنامه قابل قبولی بنویسد. اما این تغییر تیم فیلمنامه‌نویسی بسیار به کوپر و فیلمش ضربه زده است. جاش سینگر فیلمنامه‌نویس گزیده‌کاری است که در کارنامه‌اش یک جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اورجینال - به همراه تام مک کارتی - برای فیلم برنده اسکار اسپایت‌لایت یک نامزدی گلدن گلوب - به همراه لیز هانا - برای فیلم پست استیون اسپیلبرگ و یک نامزدی افتخاری برای فیلمنامه اقتباسی نخستین انسان دیمین شزلز دیده می‌شود. با همه اینها بزرگ‌ترین ضعف این اثر فیلمنامه طولانی، کشدار و بی‌اوج و فرود آن است. انگار قرار است ما تنها شاهد تحولات شخصیتی و گرایشات جنسی متلاطم یک آهنگساز باشیم

تا نبوغ و توانایی او در هنرش. همین‌هاست که تماشاگر را از همان ابتدای فیلم پس می‌زند و او باید صبوری به خرج دهد تا آخر بتواند فیلم را تحمل کند. فیلم در زمینه شخصیت‌پردازی، پرداخت عشق او به فلیشا و موسیقی و گرایش‌های برنستاین بسیار ضعیف عمل کرده است. نوع روایت فیلم کلاً ایراد دارد و رفت‌وبرگشت‌های زمانی و سیاه و سفید و رنگی کرده تصاویر هم کاری پیش نمی‌برد. بیننده پای اثری می‌نشیند که بتواند با کاراکتر اصلی‌اش ارتباط بگیرد و او جذابیت‌های لازم را برای او ایجاد کند. اما جدا از اینکه با کاراکتر همراه نمی‌شود، داستانی هم وجود ندارد. در واقع این فیلم بیشتر از اینکه یک فیلم سینمایی باشد، گویا مجموعه سکاس‌هایی است که جدا جدا از روی گزارش‌های زندگی برنستاین ساخته شده است! قصه فیلم به خاطر نپرداختن به رویدادهای مهم زندگی برنستاین چندان چالش‌برانگیز نیست. «مایسترو» را نمی‌توان در زمره بهترین فیلم‌های بیوگرافی و براساس واقعیت در نظر گرفت و از طرفی هم بردلی کوپر نسبت به «ستاره‌ای متولد شده» است، پیشرفت چندانی از خود نشان نمی‌دهد. تنها تفاوت این فیلم با اثر قبلی‌اش رویکرد هنری آن است. او در این اثر سعی دارد تا از دنیای فیلم‌های تجاری فاصله بگیرد و با استفاده از عناصر سینمای هنری مثل استفاده از قالب سیاه و سفید و قاب‌بندی‌های خاص به فیلم‌های هنری نزدیک شود. همین اتفاق هم تبدیل به بزرگ‌ترین نقطه ضعف فیلم شده است. در واقع اگر مترتال لازم در یک فیلم بیوگرافی در دسترس نویسنده و کارگردان باشد، نیازی به متوسل شدن به فرم و بازی با رنگ و حرکت‌های دوربین نیست. قصه پر افت و خیز و پر از خرده‌داستان‌هایی که تماشاگر را پاکیر و سرگرم کند، کارگردان را بی‌نیاز به همه اینها می‌کند و «مایسترو» به خوبی نشان می‌دهد که بردلی کوپر در این زمینه دست خالی بوده و رفتن به سمت این تمهیدات راهی برای پر کردن حفره‌های دراماتیک داستان است که در نهایت همه اینها هم به توفیقی برای کوپر هم تبدیل نشده است. کوپر در «مایسترو» همه چیز را فدای هنری جلوه دادن فیلم و کسب جوایز می‌کند. او در این فیلم حتی نمی‌تواند یک شمای کلی از زندگی لئونارد برنستاین و موسیقی‌اش ارائه کند. اما تلاش‌های او به ثمر نمی‌نشیند و «مایسترو» نه تنها موفقیت «ستاره‌ای متولد می‌شود» را برای او تکرار نمی‌کند بلکه نه در جشنواره‌های بین‌المللی موفق می‌شود و نه در گیشه چندان می‌درخشد و نه دستاورد مهمی برای یک بازیگر خوب به حساب می‌آید.

دیدگاه: یادداشت نمایش

افول فرهنگ تماشا

حاشیه‌ای بر جشنواره تئاتر فجر



علیرضا ذراقی
منتقد

چهل و دومین دوره جشنواره تئاتر فجر با پشتوانه نزدیک به نیم قرن برگزاری جشنواره‌های مختلف تئاتر پس از انقلاب به هیچ وجه انتظارات را به اندازه این تجربه تاریخی برآورده نمی‌کند. مساله فراتر از کیفیت آثار در نفس برگزاری و اثری است که جشنواره بر تئاتر ایران دارد. تئاتر کوچک شده ایران که هنوز پس از سالیان طولانی به نهادی استوار و مطمئن تبدیل نشده است، امری ممکن و استوار نیافته است که مدام در تزلزل خود می‌لرزد و جوانه‌های امیدش را اغلب پژمرده می‌کند. جوانه‌های امید همین نفوس جوان عاشقان و فارغ‌التحصیلان تئاتر است که بستر بروز خلاقیت و حضور در فضای آن را پس از تحصیل ندارند و زیر بار نشستن در شغل‌های موقت و بی‌منزلت فسرده می‌شوند و این تئاتر ایران را هم بی‌برکت کرده است.

جشنواره تئاتر فجر جدا از فضای حاکم بر تئاتر ایران نیست. فضایی که با دوگانه کاذب و ساختگی تئاتر دولتی و خصوصی سال‌ها پیش کلاه گشادی بر سرش رفت و کف‌زنان و جاهلانه دچار سرگردانی و سردرگمی مضاعف شد. این آشفتگی ستون‌های استواری تئاتر ایران از جمله درام‌نویسی و جریان شدن شیوه‌های درام‌پردازی و اجرا را سست و حتی نابود کرد و خود منتهی بر از بین رفتن اصل ماجرا شد که فرهنگ تماشا است. فرهنگ تماشا و مخاطب تئاتر بودن اساس این هنر را بی‌ریزی می‌کند. حال افول تئاتر به افول مخاطب تئاتر و تنزل فرهنگ تماشا منتهی شده و این دوری باطل را ساخته است. اگر در برگزاری جشنواره جدی بودیم و اصلاً تئاتر برایمان جدی بود، کمترین اثر این رخداد می‌توانست احیای فرهنگ تماشا باشد. اما چون همه چیز به جای بود از نمود و وانمود بر شده است و اساساً گزارش از کیفیت و اثرگذاری اهمیت بیشتری یافته و تبلیغات حضور مبتذل خود را بر اصل تحمیل کرده است، دیگر خبری از اثرگذاری حقیقی و ماندگار نیست. این روزها در جشنواره‌ای به ظاهر تخصصی شاهد آن هستیم که بیشتر سالن‌های تئاتر مغشوش و آشفته هستند، تماشاگر مشغول بی‌احترامی به تجربه خود از تئاتر است (حال با تلفن همراه یا شخص همراه یا هر چیزی ناهمگون دیگری همراه خود به سالن می‌آورد). خود برگزارکننده‌ها سالن تارک جادو و تامل و آگاهی را با محلی دیگر که نمی‌دانم کجاست، اشتباه گرفته‌اند و خلاصه گویی در این هاویه آنچه اهمیت ندارد خود تماشا، حضور در ساحت تئاتر و غنی شدن از این تجربه است. دوییدن فیلمبردار با دوربین و سه‌پایه میان تماشاگر و اجرا در میانه نمایش، صحنه‌ای است که بارها در این جشنواره شاهدش بودم و این از آن تجربه‌های پوچی است که لب را ناگزیر به پوزخند و ذهن را به تأسف دچار می‌کند. این یعنی همه چیز نمود است و بس. انواع و اقسام جشنواره‌های تئاتر اعم از استانی و کشوری و بین‌المللی در ایران برگزار می‌شود اما همچنان گویی تئاتر را کودکی در تسلط گرفته است. این حقیقت فراتر از این مدیر و آن مدیر و حتی این سیاست و آن سیاست در میان دیدگاه‌های رایج، این سال و سال پیش‌پیش، گویای حضور اشباح جهل بر ساحتی است که کارکرد اصلی آن مبارزه با جهل است.





دیدگاه: تحلیل اقتصادی

ایران بدون نفت

اقتصاددانان چه مدلی از مالیات‌ستانی را توصیه می‌کنند؟

◀ **جمشید پیش‌قدم**
تحلیلگر اقتصاد

شاید اغراق نباشد اگر نفت را یکی از تاثیرگذارترین مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی در چند دهه گذشته کشور بدانیم. نفت نه تنها عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصاد ایران، بلکه فراتر از آن همواره عنصری غالب در شکل‌گیری رفتار دولت‌ها، تحولات سیاسی و اجتماعی و روابط خارجی بوده است. آینده نامشخص نفت، این سوال را پدید می‌آورد که ایران بدون نفت چه تصویری می‌تواند داشته باشد؟

زمان زیادی از اوج‌گیری قیمت نفت و افزایش کم‌سابقه درآمدهای نفتی در دولت محمود احمدی‌نژاد نمی‌گذرد اما زمانه طوری تغییر کرده است که انگار دربارۀ عهد عتیق صحبت می‌کنیم. پس از آن موج کم‌سابقه از درآمدهای نفتی، هیچ دولتی روزگار خوش ندیده و هر چه زمان گذشته، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید کشور را بدون نفت و درآمدهای نفتی اداره کنند. از زمانی که آمریکا از برجام خارج شد، دولت وقت تصمیم گرفت، کسری بودجه را به انحاء مختلف از جامعه دریافت کند. دولت سیدابراهیم رئیسی برای اجتناب از اصلاحات اقتصادی که حاشیه‌ساز و دردآور است؛ همچون دولت حسن روحانی به سیاست‌هایی رو آورده که بارزترین آن افزایش کسب درآمد از طریق افزایش فشار مالیاتی است. قاعدتاً دولت اگر می‌خواست کار اصولی انجام دهد باید هزینه‌ها را کاهش می‌داد و نظم مالی بر کشور حاکم می‌کرد. به طور مثال، باید هزینه‌های هنگفت سازمان‌ها و ارگان‌ها را کاهش می‌داد اما همان‌طور که اشاره شد، دولتمردان چندان اهمیتی به این روش نمی‌دهند که کسری بودجه را از طریق کاهش هزینه‌ها جبران کنند، در نتیجه به سمت افزایش مالیات و تشدید فشار بر مردم می‌روند. آیا این سیاست را اقتصاددانان هم تایید می‌کنند؟

اقتصاددانان از دو منظر اقتصاد کلان و اقتصاد سیاسی به موضوع مالیات می‌پردازند که هر دو به یک نتیجه ختم می‌شود؛ اینکه دولت باید با مالیات کشور را اداره کند. اقتصاد کلان، مالیات را یک درآمد پایدار می‌داند که نوسان‌هایش بسیار کم است. در حالی که نوسان درآمدهای نفتی بسیار زیاد است. دولت نباید کشور را با نوسان اداره کند، بلکه باید به امور کشور ثبات ببخشد. پس از منظر اقتصاد کلان، زمانی که منابع درآمدی بانبات باشد، مخارج هم بانبات می‌شود. در این شرایط قاعده مالی هم موضوعیت پیدا می‌کند و می‌شود گفت که اقتصاد به سمت پیش‌بینی‌پذیری حرکت می‌کند. اما وقتی که اقتصاد کشور با نفت اداره شود، درگیر نوسان قیمت است. ما این نوسان را بارها تجربه کرده‌ایم. یک سال قیمت نفت بالا رفته و بودجه با رشد بالایی بسته شده و سال بعد قیمت نفت پایین آمده و مشکلات شروع شده، چون نمی‌توان هزینه‌ها را به آن مقدار کم کرد و در نتیجه بدهی دولت و رشد نقدینگی و تورم رخ می‌دهد. به لحاظ اقتصاد سیاسی هم، پاسخگویی دولت زمانی حادتر می‌شود که دولت وابسته به مردم باشد، نه اینکه مردم وابسته به دولت باشند. این ادبیات از سال‌ها قبل تاکنون توسعه پیدا کرده و هنوز کسی نگفته که این حرف اشتباه است. مسعود نیلی در این زمینه گفته: «اگر دولت مالیات بگیرد در واقع حقوق‌بگیر مردم است. اینکه سیاستمداران ما به مردم تواضع می‌فروشند و می‌گویند ما نوکر شما هستیم، درست است. سیاستمدار واقعاً کارمند مردم است، یعنی از مردم دستمزد می‌گیرد که کار انجام دهد. اگر هم خوب انجام نداد، مردم می‌توانند تغییرش دهند. اما واضح است که چنین رابطه‌ای در کشور ما جاری نیست، در مقابل هر لحظه در اقتصاد ایران صدها میلیارد تومان رانت جابه‌جایی می‌شود و با هر تصمیم سیاست‌گذار، افراد و گروه‌های خاص، ثروت‌های افسانه‌ای به جیب می‌زنند. در چنین شرایطی دولت به سازوکارهایی که برای جلب حمایت سیاسی رانت توزیع می‌کند، دست نمی‌زند و سراغ افراد و گروه‌هایی که به پشتیبانی آنها وابسته است، نمی‌رود اما از معلم، کارمند و استاد دانشگاه مالیات می‌گیرد. مسعود نیلی اخیراً گفته: «تصور کنید در کشورهای توسعه‌یافته که با مالیات اداره می‌شود فقط یک دکه در داشبوردها تصمیم‌گیرنده قرار دارد که روی آن نوشته، مالیات. در کشور ما مقابل تصمیم‌گیرنده صدها دکه قرار دارد که یکی شیرخشک است، دیگری ارز دولتی برای واردات کالای اساسی، دیگری ارز نیما برای چای، دیگری امتیاز قیر ارزان و خیلی امتیازات دیگر. با هر دکه‌ای که تصمیم‌گیرنده فشار می‌دهد، افرادی ثروت‌های بسیار افسانه‌ای به جیب می‌زنند؛ آن وقت دستگاه مالیاتی سراغ معلم، کارمند و استاد دانشگاه می‌رود.»

۱۰۰۰

واحد

افزایش شاخص بورس

شاخص کل بورس دیروز حدود یک هزار واحد افزایش یافت و در سطح ۲ میلیون و ۱۲۸ هزار واحد ایستاد. با احتساب این رشد ناچیز، شاخص بورس تهران همچنان در پایین محدوده پرحاشیه ۲/۱ میلیون واحد قرار دارد. این رشد اندک شاخص کل، طی دو روز گذشته درحالی رقم خورد که افزایش قیمت‌ها در روزهای گذشته در بازارهای موازی سهامداران را غافلگیر کرد. مهم‌ترین دلیل افزایش اندک بورس، کاهش التهابات منطقه‌ای است.

۲۴

هزار میلیارد تومان

سهام صدا و سیما

با مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی، بودجه ۸ هزار میلیارد تومانی صداوسیما به ۲۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب کردند که بودجه صداوسیما در جداول بخش دوم بودجه به ۲۴ هزار میلیارد تومان برسد. بودجه این نهاد زیان‌ده در سال ۱۴۰۲ هشت هزار میلیارد تومان بود که با تصمیم نمایندگان مجلس و با احتساب عدد ۲۴ هزار میلیارد تومانی به سه برابر افزایش پیدا کرده است.

۸۳

دالر

قیمت جدید نفت

نفت برنت که از نوامبر ۲۰۲۳ تا اوایل ژانویه ۲۰۲۴ در محدوده ۷۵ تا ۸۰ دلار در هر بشکه معامله می‌شد، در آخرین روز کاری هفته در محدوده ۸۳/۶ دلار در هر بشکه معامله می‌شود. ازجمله دلایل افزایش قیمت نفت، می‌توان به ادامه تنش‌ها در دریای سرخ، نگرانی از عرضه نفت به دلیل حمله پهپادهای اوکراینی به پالایشگاهی صادراتی در جنوب روسیه و کاهش بیش از انتظار ذخایر نفت خام آمریکا در جهان اشاره کرد.

معمای گردش حساب

دولت با تجسس در حساب‌های بانکی دنبال چیست؟

◀ **سعید خوش‌بین**
خبرنگار سازندگی

مجلسی که مشخص نیست آخرین بار چه زمانی قانونی به سود مردم تصویب کرده به سازمان امور مالیاتی این اجازه را داده که از حساب جاری افراد مالیات بگیرد. این درحالی است که آخرین گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد، بیش از ۱۰ میلیون نفر در ایران در فقر مطلق به سر می‌برند و ۴۰ درصد جمعیت کشور نیز در معرض آن قرار دارند. تنها در فاصله سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۶ هزینه‌های سرانه ۴۰ درصد فقیرتر جمعیت در مقایسه با میانگین، انقباض قوی‌تری را به ثبت رسانده که به شکاف ثروت مشترک منفی ۱۱/۱ درصدی منجر شده است.

نخستین بار «محمدحسین فرهنگی» دربارۀ چنین مصوبه‌ای، افشاجاری کرده و گفته: «مجلس به حکم بسیار عجیبی در جریان رسیدگی به بودجه رای داده است. این بند که با عنوان بند ج تبصره ۶ معروف شده به سازمان امور مالیاتی اجازه می‌دهد که اگر جمع واریزی به حساب شخصی و غیرتجاری اشخاص حقیقی در هر ماه تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل بیشتر باشد، آنها را مشمول مالیات کند». نکته جالب مصوبه این است که «اگر صاحب حساب اعتراضی داشت باید به سازمان امور مالیاتی مراجعه و ثابت کند که گردش مالی حساب‌اش درآمد نبوده است».

بدترین قسمت مصوبه جنجالی مجلس هم بخش پایانی آن است که اثبات درآمدی نبودن تراکنش‌ها را به عهده صاحب حساب گذاشته است. این بخش علاوه بر اینکه نقض اصل برائت قانون اساسی است، سرگردانی زیادی برای مردم ایجاد می‌کند و به عقیده اقتصاددانان سیاه‌چاله بزرگی برای فساد است.

آقای فرهنگی در ادامه اظهارنظرهایش درباره مصوبه عجیب گفته: «این حکم بسیار عجیب است که براساس آن اگر جمع واریزی به حساب شخصی و غیرتجاری اشخاص حقیقی در هر ماه تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل بیشتر باشد، مشمول مالیات خواهد شد». این نماینده مجلس گفته: «پیشنهاد من حذف این مصوبه عجیب بوده که رای نیاورد. نمی‌دانم مجلس دنبال چه موضوعی است و دولت چرا این احکام را در لوایح خود می‌آورد».

معنی مصوبه این است که اگر فردی امسال ماهی ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد، اگر سال بعد ماهی ۹۵ میلیون تومان درآمد داشته باشد از مالیات معاف خواهد بود اما اگر ۱۳۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد باید مالیات بپردازد، چون بیشتر از سال قبل درآمد دارد.

این مصوبه واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشته است. از جمله رضا کربلایی، روزنامه‌نگار اقتصادی به طنز در شبکه ایکس نوشته: «به زودی از صدای شمارش اسکناس و برداشت وجه نقد از دستگاه خودپرداز و صدای پیامک واریز و برداشت وجه مالیات گرفته خواهد شد. نرخ مالیات بسته به صدای آن توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود».

دکتر داود سوری نیز در واکنش به این مصوبه نوشت: «مصوبه‌ای در مجلس در مورد مالیات تصویب شده و نماینده‌ای، برداشتی از آن داشته است که می‌گویند، صحیح نیست اما هیچ‌کس هم صحیح آن را نمی‌گوید یا نمی‌داند. از این باید ترسید، قانونی که از همین ابتدا در تعریف آن

اجماعی نیست و قانون‌گذار نیز نمی‌تواند آن را برای مردم توضیح دهد».

هرچند شماری از نمایندگان مجلس و مدیران سازمان امور مالیاتی شایعات پیرامون این مصوبه را رد کرده‌اند اما هیچ‌کس درباره مصوبه اصلی یا نسخه آن سخن نگفته است. اخیراً سخنگوی سازمان امور مالیاتی گفته: «برخی افراد به منظور فرار مالیاتی، تراکنش‌های تجاری خود را با کارت بانکی همسر، افراد خانواده، متششی یا کارت‌های اجاره‌ای انجام می‌دهند که دولت و مجلس را بر آن داشت تا از طریق بند «ج» تبصره ۶ قانون بودجه ۱۴۰۳ حساب‌های تجاری مشکوک را مورد بررسی قرار دهند. هنوز سقف و تعداد تراکنش‌ها مشخص نشده و اردیبهشت سال آینده توسط شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد». ظاهراً این بند شامل افرادی است که با اعداد بزرگ و تراکنش‌های بالا اقدامات تجاری انجام می‌دهند، بنابراین طبق گفته سخنگوی سازمان امور مالیاتی شامل آحاد مردم نخواهد بود. براساس تعامل بین شورای پول و اعتبار و سازمان امور مالیاتی، مجموع مبلغی مشخص می‌شود که اگر حساب‌های یک شخص حقیقی در یک ماه بالاتر از رقم تعیین شده باشد به‌عنوان حساب مشکوک به فعالیت تجاری شناخته می‌شود.

البته ظاهراً این قانون امسال هم پیاده شده که براساس آن، تعداد تراکنش‌های بالاتر از ۱۰۰ تراکنش و مبلغ مجموع بالاتر از ۳۵ میلیون تومان به‌عنوان حساب تجاری شناخته می‌شود. شنیده‌های سازندگی حاکی از آن است که از ماه اردیبهشت سقف جدید تعداد و مبلغ برای حساب تجاری اعلام می‌شود. طبق گفته سخنگوی سازمان امور مالیاتی، «این مصوبه به این معنا نیست که اگر حساب به‌عنوان حساب غیرتجاری معرفی شد، می‌توانیم از او مالیات بگیریم، بلکه ادعای اثبات غیردرآمدی بودنش با صاحب حساب است. یعنی صاحب حساب می‌تواند ادله و مدارکی ارائه دهد که این واریزی برای مثال مربوط به صندوق قرض‌الحسنه خانوادگی است یا فرد به‌عنوان مدیر ساختمان فعالیت دارد و وجوه واریزی به واسطه شارژ ساختمان است. در غیر این صورت واریزی‌های بیش از سقف تعیین شده به‌عنوان درآمد محسوب می‌شود تا به اتکالی آن سازمان امور مالیاتی برای رسیدگی به فعالیت اقتصادی فرد اقدام کند. اگر پرونده مالیاتی ندارد، پرونده تشکیل شود و اگر پرونده دارد این حساب به‌عنوان درآمد‌هایی که غیردرآمدی بودن آن به اثبات نرسیده در زمره سایر حساب‌های تجاری فرد در پرونده مالیاتی قرار می‌گیرد».

براساس آمارها حدود ۵۰۰ میلیون حساب بانکی در کشور وجود دارد. سخنگوی سازمان مالیاتی گفته: «ما قصد نداریم همه حساب‌های افراد را بررسی کنیم، بلکه هدف این است سراغ حساب‌هایی برویم که این افراد به‌عنوان حساب تجاری خودشان معرفی کرده‌اند. اما اینکه عده‌ای که از این فضای اعتماد سوء استفاده می‌کنند این تفکیک کمک می‌کند ما سراغ همه حساب‌های بانکی نرویم، بلکه تجاری و حساب‌های مشکوک به تجاری را مبنای کار خود قرار دهیم». تفاوت زیادی میان سخنان نماینده افشاگر مجلس و سخنگوی سازمان امور مالیاتی وجود ندارد. مالیات بر گردش حساب و اثبات اینکه حساب تجاری نیست در هر دو اظهارنظر وجود دارد که هر دو مورد با اعتراض شدید آحاد جامعه مواجه شده است. دکتر پرویز خسروشاهی در واکنش به این اظهارات نوشته: «ترجمه سخن ایشان آن است که بخش بزرگی از مردم را به سازمان‌های مالیاتی می‌کشانیم و وقت‌شان را تلف و اعصابشان را خرد می‌کنیم تا معدودی را

که از پرداخت مالیات فراری‌اند، شناسایی کنیم. این یعنی زیر پا گذاشتن الفبای مقررات‌گذاری. وقتی کاری را بلد نیستید چرا برعهده می‌گیرید؟»

◀ رابطه معکوس

در گذشته اقتصاد به نفت دولت وابسته بود اکنون دولت به مالیات مردم وابسته است. رابطه وابستگی برعکس شده اما نحوه مواجهه سیاستمداران با مردم به همان شیوه سابق است. به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم، بن‌بستی در امور سیاسی ایجاد شده که نه حکومت صدای گروه‌هایی از مردم را می‌شنود و نه مردم از برخی سیاست‌های حکومت پیروی می‌کنند. شواهد مختلفی وجود دارد از این مساله. برای نمونه وقتی به دلیل سلیقه فرهنگی یک گروه، کسب‌وکاری بسته می‌شود یا جلوگیری می‌شود، یا دولت با دخالت مستقیم در انتخابات تشکلهای خصوصی برای فعالیت گروهی آنها هزینه ایجاد می‌کند، یا وقتی برای کاهش محدودیت‌های تجاری و مالی و بانکی بین‌المللی که بر فعالیت‌های خصوصی تحمیل شده اقدامی نمی‌کند، یا هنگامی که با مقررات دست‌وپاگیر و بی‌ثباتی اقتصادی به فعالیت خصوصی آسیب می‌زند در عمل به این معناست، دولتی که چشم به دست بخش خصوصی دارد تا ریالی بیشتر مالیات بگیرد به طور هم‌زمان دارد به دست دیگر به بخش خصوصی که مشغول کسب درآمد است، آسیب می‌زند.

اقتصاددانان معتقدند در زمینه مالیات‌ستانی دو رویکرد وجود دارد؛ در رویکرد اول حکم بر برائت داده می‌شود مگر عکس آن ثابت شود. براساس این رویکرد، دولت به عموم مردم اعتماد دارد و خوداظهاری آنها ملاک پرداخت مالیات است. برای جلوگیری از فرار مالیاتی، اعلام می‌شود چنانچه مشخص شود، مؤدی از اعتماد سوء استفاده کرده و خوداظهاری درست نیست، جرائم سنگین دارد. البته کشف تخلف هم وظیفه دولت است که صدا البته بدون تجسس در اطلاعات خصوصی مردم و سرک کشیدن در زندگی آنها، اگر تخلفی یافت باید او ثابت کند که تخلف رخ داده، نه اینکه طرف مقابل اثبات کند، تخلفی نکرده است. ظاهراً رویکرد دیگر بر این اعتقاد است که همه مجرم‌حتی اگر عکسش ثابت شود. در این رویکرد دولت هیچ اعتمادی به مردم ندارد و همه آنها را دروغگو می‌پندارد. حتی اگر بخشی از مردم در خوداظهاری کذب می‌گویند، دنبال این نیست که چه بسا مشکل از خود دولت است که مردم حاضر نیستند در تامین هزینه‌های مشارکت کنند. به عقیده محمود اولاد-اقتصاددان- «در این سیستم، دولت قانون وضع می‌کند که اگر واریزی به حساب‌های غیرتجاری افراد از رقمی بیشتر شد قطعاً درآمد است و مالیات دارد. حال این فرد دائم‌المجرم (عموم مردم) هست که باید اثبات کند، درآمد نبوده است. اینکه این اثبات چقدر هزینه دارد هم مهم نیست. مجرم باید توان دهد. همه مجرم‌ند و هیچ مگر عکسش ثابت شود و این قرتی‌بازی‌ها هم نداریم».

به عقیده اقتصاددانان، حسن رویکرد دوم این است که بسیاری از مردم برای اینکه هزینه زمانی و روانی مواجهه با جماعت مالیات‌ستان نداشته باشند، ترجیح می‌دهند حتی اگر درآمد نبوده قابل اثبات باشد به دلیل هزینه بالا، پیگیری نکنند و مالیات را بپردازند. چی از این بهتر؟ کیسه دولت پر می‌شود اما اعتماد کیبوی چند؟ در نهایت طراحان و مجریان قانون چند فحش می‌خورند که البته باد هواست.



بی خبری بیمارستان گاندی از آتش سوزی

قدرت‌الله محمدی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران گفته است: «بعد از اینکه نیروهای اولین ایستگاه ما به محل رسید، مسئولان بیمارستان با سامانه ۱۲۵ تماس گرفتند که آتش‌سوزی صورت گرفته و تا قبل از آن اطلاعی نداشتند». به گفته او، اولین بار آتش‌سوزی «از سوی یکی از شهروندان» به آتش‌نشانی گزارش شده که «از اتاق ۱۰۶ طبقه ۱۶ شعله‌ور شده بود». محمدی در جلسه شورای شهر تهران گفت: «یک نفر از کردستان با سامانه ۱۲۵ تماس گرفت که فرزندش در بیمارستان بستری است و آتش‌نشانی این کودک را نجات دهند» و «۹ جنین و ۱۱ بیمار بستری در آی‌سی‌یو نجات داده شدند». رئیس آتش‌نشانی تهران ادامه داد: «اگر نمایی غیر از کامپوزیت به کار گرفته بودند، آتش به هیچ یک از طبقات نفوذ نمی‌کرد. ما سایت بیمارستان را نجات دادیم. ۵۰ درصد این بیمارستان هتلینگ و ۵۰ درصد بیمارستان بود که اگر حریق به ۵۰ درصد بیمارستان منتقل می‌شد این بیمارستان از رده خارج می‌شد». به گفته این مقام مسئول، «متأسفانه ۵۰ درصد ساختمان‌های دولتی و وزارتخانه‌های ما نالین هستند ولی برای بازدیدها ما راه نمی‌دهند».



صعود فضایی ایران

سه ماهواره ایرانی به فضا پرتاب شدند

صبح دیروز رسانه‌ها اعلام کرده‌اند که برای اولین بار و به صورت هم‌زمان، سه ماهواره ایرانی با نام‌های مه‌دا، کیهان ۲ و هاتف ۱ با ماهواره‌بر سیمیرغ به فضا پرتاب شدند و با موفقیت در مدار قرار گرفتند. ماهواره مه‌دا، از ماهواره‌های سبک‌وزن پژوهشگاه فضایی کشور، برای آزمایش زیرسامانه‌های توسعه‌یافته ماهواره‌های طراحی و ساخته شده است.

به گفته مسئولان، این ماهواره تحقیقاتی است و مراحل طراحی، ساخت، جمع‌آوری و آزمون آن در پژوهشگاه فضایی ایران انجام شده است. نانو ماهواره‌های کیهان ۲ و هاتف ۱ نیز در شرکت صنایع الکترونیک کشور، متعلق به وزارت دفاع، طراحی و آماده پرتاب شده‌اند. وزارت دفاع و پژوهشگاه فضایی کشور ماوریت اصلی این ماهواره را بررسی صحت عملکرد ماهواره‌بر

سیمیرغ در تریق چندگانه محموله‌های فضایی در مدار پایین زمین و ارزیابی عملکرد برخی طراحی‌های جدید و قابلیت اطمینان فناوری‌های بومی در فضا اعلام کردند.

براساس این گزارش، نانو ماهواره کیهان ۲ از ماهواره‌های مکعبی شرکت صایران (متعلق به وزارت دفاع) برای اثبات فناوری موقعیت‌یابی فضاپایه طراحی شده است و برای گیرنده‌های زمینی، امکان تعیین موقعیت را به صورت بومی و مستقل از سامانه‌های موقعیت‌یابی جهانی، فراهم می‌کند. نانو ماهواره هاتف ۱ هم از ماهواره‌های مکعبی شرکت صایران است که برای اثبات فناوری مخابرات باند باریک با کاربرد اینترنت اشیا ساخته شده است.

ماهواره‌بر سیمیرغ با سوخت مایع دومرحله‌ای در وزارت دفاع ساخته شد و در هفتمین پرتاب تحقیقاتی، توانست «با تریق چندگانه ماهواره‌ها، در پیچه‌ای جدید در پرتاب‌های فضایی کشور باز کند». این پرتاب، یازدهمین پرتاب فضایی در دولت سیدابراهیم رئیسی محسوب می‌شود.

ساعتی بعد از آن «عیسی زارع‌پور»، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایرانی نوشت: به لطف خدا یازدهمین پرتاب در دولت سیزدهم با موفقیت انجام و برای نخستین بار، ماهواره‌بر سیمیرغ به طور هم‌زمان ماهواره مه‌دا و ۲ محموله تحقیقاتی دیگر را با موفقیت در مدار قرارداد و سیگنال مه‌دا هم دریافت شد.

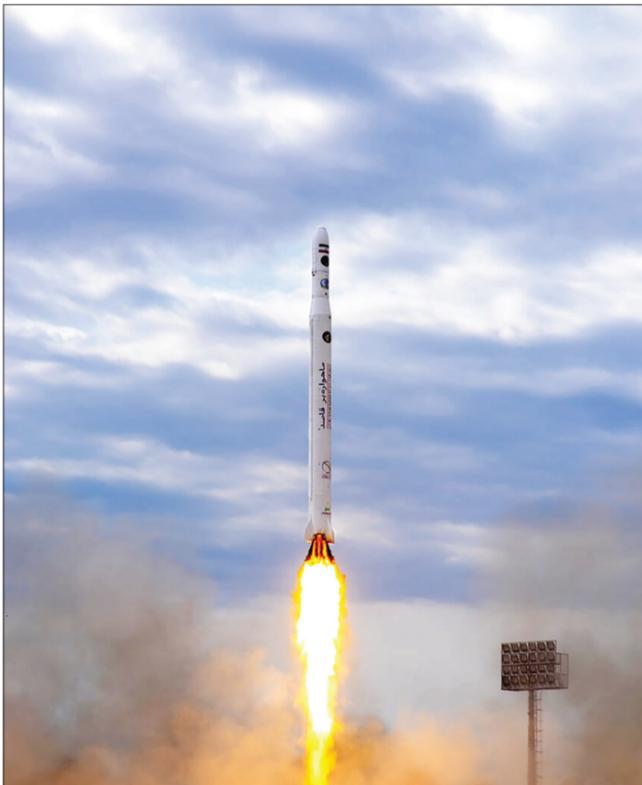
پیش از این روز شنبه، ۳۰ ماه نیز رسانه‌ها اعلام کردند، ماهواره ثریا، متعلق به سازمان فضایی، به وسیله ماهواره‌بر سوخت جامد و سه‌مرحله‌ای قائم ۱۰۰ با موفقیت به فضا پرتاب شد و در مدار ۷۵۰ کیلومتری قرار گرفت. پایگاه خبری اسپیس ۱۹ مهر در گزارشی نوشت که ایران قصد دارد درباره کمک روسیه برای ساخت ماهواره سنسجش از دور جدید خیام با مقام‌های آن کشور مذاکره کند. این مذاکرات در حوزه طراحی، تعیین مشخصات فنی ماهواره‌های جدید خیام و نیز طرح‌هایی برای ساخت یک ماهواره کوچک و یک ماهواره مخابراتی انجام شد.

روسیه تابستان گذشته، ماهواره خیام ایران را با موشک سایوز خود به فضا فرستاد. این فضاپیما یک ماهواره رصد زمین «کانوپوس وی» (Kanopus-V) ساخت روسیه بود که وضوح آن ۱/۲ متر است؛ به این معنی که می‌تواند از اجسامی با حداقل اندازه ۱/۲ متر عکس بگیرد.

واکنش‌های بین‌المللی

اوایل مهرماه امسال، پس از آنکه فرمانده نیروی هوافضای سپاه از پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره‌بر قاصد و قرار گرفتن ماهواره نور ۳ در مدار ۴۵۰ کیلومتری زمین خبر داد، چند کشور اروپایی به همراه ایالات متحده آمریکا در بیانیه‌هایی پرتاب ماهواره را به فعالیت‌های موشکی نسبت دادند و گفتند که ایران باید «فعالیت‌های موشکی بی‌ثبات‌کننده» اش را هرچه زودتر پایان دهد.

فرانسه، آلمان و بریتانیا روز جمعه نیز چند روز پس از پرتاب ماهواره ثریا از طریق ماهواره‌بر قائم ۱۰۰ با اشاره به اینکه ماهواره‌بر از فناوری لازم برای توسعه سامانه موشک‌های بالستیک دوربرد بهره برده است، اعلام کردند که



این سامانه می‌تواند به تهران امکان دهد موشک‌های دوربرد نیز پرتاب کند.

با وجود اینکه محدودیت‌های موشکی ایران پیش از این به پایان رسیده است، ترویج‌های اروپا در ادامه بیانیه خود مدعی شدند: «ایران به‌رغم درخواست‌های مکرر بین‌المللی برای توقف آن و پس از سال‌ها نادیده گرفتن محدودیت‌های سازمان ملل به توسعه برنامه موشکی خود ادامه می‌دهد».

همچنین در این بیانیه ادعا شده است: «پرتاب‌هایی از این دست به ایران امکان آزمایش فناوری را می‌دهد که می‌تواند برای توسعه بیشتر برنامه موشک‌های بالستیک خود که تهدیدی مهم برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است، استفاده کند».

این سه کشور اروپایی با تکیه بر ادعاهای بی‌اساس خود علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مدعی شدند: «ما نگرانی‌های دیرینه‌ای در مورد فعالیت‌های ایران در رابطه با فناوری‌های موشک بالستیک داریم که قادر به حمل سلاح هسته‌ای هستند. این نگرانی‌ها با توسعه برنامه هسته‌ای ایران که فراتر از همه توجهات غیرنظامی معتبر است، افزایش می‌یابد».

در بخش پایانی این بیانیه نیز با اتهام‌زنی علیه ایران ادعا شده است که دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان همچنان متعهد هستند که هر گام دیپلماتیکی را برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بردارند و ایران را به خاطر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده‌اش در منطقه و در سطح بین‌المللی پاسخگو نگه دارند.

در واکنش به این موضوع ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه، شنبه هفتم بهمن بیانیه سه کشور اروپایی درباره آزمایش ماهواره‌بر جدید ایران و ماهواره «ثریا» را «مداخله‌جویانه» خواند و گفت: «دستیابی به پیشرفت‌های علمی و تحقیقاتی از جمله در حوزه هوا-فضا، حق مسلم و مشروع جمهوری اسلامی ایران است».

سخنگوی وزارت امور خارجه، تاکید کرد: با وجود برخی تفاسیر خودسرانه برخاسته از تمایلات یک‌جانبه‌گرایانه برخی طرف‌ها، وفق مقررات بین‌المللی، محدودیتی درباره فعالیت‌های علمی و کاربردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه تحقیقات فضایی وجود ندارد و بر این اساس کشورمان تحمیل چنین رویکردهای نامتعارفی را کاملاً مردود شمرده و با قطعیت رد می‌کند.

به گفته کنعانی، جمهوری اسلامی ایران طبق موازین و مقررات بین‌المللی و در راستای تحقق حقوق خود، به‌ویژه حق توسعه و پیشرفت، استفاده از فناوری‌های صلح‌آمیز در مسیر توسعه علمی - تحقیقاتی را برای خود مفروض و محفوظ دانسته و در این مسیر منتظر نظرات برخی کشورها که درصدد تحمیل آرا و اقدام‌های یک‌جانبه خود بر دیگران هستند، نخواهد بود.

همچنین نورنیوز، رسانه منسوب به شورای امنیت نیز در واکنش به ادعای کشورهای غربی اعلام کرد که نسبت دادن پرتاب ماهواره به رویکردهای موشکی و هسته‌ای ایران در حالی است که اولاً، براساس قطعنامه ۲۲۳۱ از مهرماه امسال هرگونه محدودیت از ایران در فعالیت‌های موشکی و پهبادی حتی در حوزه خرید و فروش برداشته شده تائیداً ایران

بارها به صورت رسمی اعلام کرده که هیچ برنامه‌ای برای تولید سلاح‌های هسته‌ای و تجهیزات پرتاب‌کننده آن ندارد. علاوه بر این فعالیت‌های هسته‌ای، ایران براساس گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ‌گونه انحرافی به سمت بمب هسته‌ای نداشته و ندارد؛ لذا ادعای اروپایی‌ها در باب تهدیدات هسته‌ای ایران واهی و خلاف واقع است.

۱۳ مهر سال جاری سازمان فضایی کشور اعلام کرد که همچنین یکی دیگر از برنامه‌های حوزه فضایی کشور در سال جاری در زمینه بومی‌سازی صنعت ماهواره تکمیل پروژه‌های ماهواره ظفر ۲، ماهواره پارس ۱، ماهواره ناهید ۲، ماهواره ناوک ۱، ریز ماهواره‌های تحقیقاتی و انعقاد قرارداد طراحی و ساخت ماهواره‌های «پارس ۲» و «ناهید ۳» و آغاز طراحی و ساخت ماهواره پارس ۳ و ماهواره سار ۳۰ متری است.

براساس اعلام سازمان فضایی ایران، همچنین طراحی و ساخت ۱۰ ریز ماهواره با پیلوس IoT تحت عنوان «منظومه ماهواره‌های شهید سلیمانی» به بخش خصوصی سپرده شده است و عقد قرارداد برای خرید تصاویر ماهواره‌های بومی با دقت ۶ متر و ۴ متر در دستور کار قرار دارد.

گزارش شهری

قطع ۶۰ درخت

توسط ستاد اجرایی فرمان امام

عضو شورا: نهادها و سازمان‌های غیردولتی جریمه قطع درخت را از بیت‌المال می‌دهند

دیروز در صحن شورای شهر تهران، ناصر امانی، عضو شورا، خبر از قطع ۶۰ درخت در بوستان افاقی‌های تهران توسط یکی از مجموعه‌های ستاد اجرایی فرمان امام داد. او با اشاره به قطع غیرقانونی ۱۵ اصله درخت در کاخ سعدآباد گفت که متأسفانه پس از تذکر اینجانب درباره قطع درختان کاخ سعدآباد، شهرداری تهران پاسخ داده که پرونده در کمیسیون ماده ۷ باغات و فضای سبز شهر مطرح شد و بابت قطع درختانی با بن بیش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ سانتی‌متر این مجموعه به پرداخت جریمه با ضرب ۳ محکوم شد! فقط همین! حکمی که نه ضمانت اجرایی دارد و نه بازدارنده است و نه درس عبرتی برای مدیران سایر دستگاه‌ها! این عضو شورا در ادامه تاکید کرد: از مدیران وابسته به ستاد اجرایی فرمان امام هفته گذشته بخشی از بوستان افاقی در محله داوودیه تهران را شبانه فسخ کشی کرده است و حداقل ۶۰ اصله درخت را با از ریشه درآوردند، یا قطع کردند؛ با این توجیه که بخشی از این بوستان مورد ادعای مالکیت ماست، درحالی که حتی درباره همان بخش زمین، فرد دیگری هم مدعی است. برای اینکه پیش‌دستی نکنند و جا پای‌شان را محکم کنند، شبانه بخشی از بوستان را فسخ کشیده و درختان را با از ریشه درآورده، یا قطع کرده‌اند. امانی گفت: شهرداری منطقه ۳ فسخ را جمع کرده و آنهایی که از ریشه درآوردند را دوباره کاشته‌اند، هرچند معلوم نیست این درختان دیگر برای آن بوستان درخت بشود، اما این کار را کرده‌اند. متأسفانه چون برخورد بازدارنده‌ای صورت نمی‌گیرد و حداقل یک جریمه در نظر گرفته می‌شود، که تازه اگر پرداخت شود از جیب بیت‌المال پرداخت می‌شود و نه از جیب کسانی که اقدام به قطع این درختان کرده‌اند. این عضو شورا ادامه می‌دهد: وقتی ما مردم را در ملک یا باغ شخصی، بابت خشک شدن یا کسر شدن یک درخت که عمدتاً به خاطر کم‌آبی یا آفت‌زدگی جریمه‌های میلیاردری می‌کنیم آیا عادلانه است که یک مجموعه دولتی یا عمومی غیردولتی، نه در اراضی و املاک متعلق به خود، بلکه در یک بوستان عمومی که به‌عنوان فضای سبز و ریه عمل می‌کند، تعداد زیادی از درختان را قطع کند و بعد ما سکوت می‌کنیم و در نهایت جریمه می‌کنیم و اصلاً معلوم نیست این جریمه در بروکراسی اداری پرداخت می‌شود یا نه؟ آن وقت در مقابل مردم چه حرفی داریم؟ آیا مصداق این شعر سعدی نمی‌شیم که، اگر زباغ رعیت ملک خورد سبیبی / بر آوردن غلامان او درخت از بیخ؟ گفته می‌شود پرونده به مرجع قضایی ارسال می‌شود که البته اثری هم از ارسال آن ما نمی‌بینیم. پیش از این هم خبر قطع درخت از سوی دانشگاه تهران و الزهرا سبب اعتراض شورایی‌ها شده بود. آن هم در شرایطی که چندی پیش این عضو شورا در صحن علنی یک آمار غیررسمی اما تولید شده توسط تیم کارشناسی درخصوص خشکی درختان بوستان‌های جنگلی ارائه کرد که براساس آن ۱۲ هزار و ۷۰۳ اصله درخت در سه پارک جنگلی تهران خشک شده است.

براساس این گزارش سهم بوستان‌های سرخه‌حصار، چیتگر و لویزان از این تعداد به ترتیب ۷۹۸۱، ۴۶۵۰ و ۷۲ اصله است.

آگهی موضوع ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۷۲۳/۲۰۳۰۹۰۰۳۰۲۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آپیک، کلاسه ۰۱۰۴/۰۳۰۰۰۱۴۴۰۹۰۰۳۰۲۱۱۴۴۰۱۴ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم میر خلیل حسینی فرزند میر رحمن صادره از هشتگرد به شماره شناسنامه ۱۰ و کد ملی ۴۸۹۸۸۵۹۴۵۲ در شناساندن بکلیخانه به مساحت ۲۸۶/۶۵ متر مربع از پلاک شماره ۱ اصلی بخش ۱۶ واقع در قزوین حوزه ثبت ملک آپیک قریه می باشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی خانم مهرناز نافعی یزدی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده گواهی آن را به اداره ثبت محل تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت متع مراجعه معترض به دادگاه نمیشود. تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آپیک
شناسه آگهی ۱۶۵۳۵۷۱
۲۴۱

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عظیمیانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۷۹



اصلاحات در بحران ۲۱

ادامه پنج‌شنبه ۲۴ آذر

تشدید درگیری‌ها در فلسطین

در فلسطین، درگیری‌ها تشدید شده و در لبنان، بحث مبادله اسرای لبنانی موجود در اسرائیل با سه سرباز اسیر اسرائیلی در دست حزب‌الله، جدی شده و نشانی برای ضعف اسرائیل است. در پاکستان با تبعید آقای [محمد] نواز شریف، نخست‌وزیر سابق پاکستان] به عربستان و اجرای احکام جرمه‌های مالی و همراهی احزاب در مطالبه دموکراسی، وضع تازه‌ای پیش آمده است. در ترکیه، مشکلات مالی و اقتصادی و آفت تشدید ارزش سهام در بورس، همراه با تنش‌های سیاسی، مشکل‌زا شده است.

جمعه ۲۵ آذر

افطار در حافظیه

تسا غروب در منزل مطالعه می‌کردم؛ سناریوی «انقلاب تنها» و قراردادهای پیغمبر (ص) با یهودی‌های مدینه و تحلیل جمعیت‌انگاران در مورد عملکرد دولت آقای [سیدمحمد] خاتمی که در اکثر زمینه‌ها، منفی و با عقبگرد ارزیابی شده است.



افطار، میهمان آقای [سیدمحمد] هاشمی‌شاه‌رودی، [رئیس قوه قضاییه] در حافظیه بودیم. آقایان [سیدمحمد] خاتمی، [رئیس‌جمهور] و [مهدی] کروی، [رئیس‌مجلس] و مقامات قضایی هم بودند. نماز جماعت با امامت من خوانده شد و افطار کردیم. آقایان [عباسعلی] علیزاده، [رئیس‌کل دادگستری استان تهران] و [محمد] نیازی، [رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح] راجع به دادگاه [متهمان شرکت در کنفرانس] برلین و قتل‌های زنجیره‌ای و احضار آقای [محمد] سلامتی، [دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب] گفتند.

علیرغم محدودیت‌های سخت اسرائیل مثل جمعه‌های قبل، نماز جمعه در مسجدالاقصی با حدود ۴۰ هزار مسلمان برگزار شده و امروز هم تعداد پنج نفر در انتفاضه، شهید شدند؛ دیروز ۷ شهید داشتند. در چین، در استان شاندونگ، در روستایی مسلمانان به تبلیغات فروش «گوشت خوک اسلامی» اعتراض کرده و با پاپس درگیر شدند؛ پنج نفر شهید و ۴۰ نفر زخمی شده‌اند و باعث اعتراض وسیع مسلمانان چین شده است؛ چون اسلام گوشت خوک را حرام و نجس می‌داند، چنین اعلامی را نیز توهین می‌دانند.

شنبه ۲۶ آذر

انعکاس و سبب استغفای مهاجرانی

در جلسه امروز مجمع [تشخیص مصلحت‌نظام]، بحث بر سر سیاست‌های کلی مشارکت و در مورد توسعه الگوهای مشارکت و معیارها بود. عصر دو مصاحبه با شبکه سحر و شبکه پنج سیما درباره انتفاضه فلسطین کردم. افطار، انجمن فارغ‌التحصیلان خارج از کشور، میهمان بودند و گزارشی دادند با ۴۰۰ عضو و من هم درباره ضرورت تلاش همه جانبه برای سازندگی کشور صحبت کردم.



موضوع استغفای آقای [عطاالله] مهاجرانی، انعکاس وسیعی در رسانه‌های خارجی و داخلی دارد و بیشتر آن را معلول فشار رهبری می‌دانند و اهانت‌هایی به صورت غیرمستقیم به رهبری می‌شود؛ جناح راست استقبال کرده است.

میشل می‌آید؟

ادامه تیتربیک

به همین دلیل بود که در اجلاس داووس توجهات به انتخابات آمریکا بیش از پیش بود. اما در همین ایام که بسیاری نگران بازداشت ترامپ و پیشتازی او در نظرسنجی‌ها بودند، ناگهان چند نشریه آمریکایی خبر دادند که ممکن است میشل اوباما، همسر رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا شود و به جای بایدن پیر و فرسوده با ترامپ رقابت کند. این فقط یک پیش‌بینی خوش‌بینانه نبود زیرا دموکرات‌ها اخیراً به این نتیجه محتمل رسیده‌اند که میشل اوباما دارای ظرفیت‌هایی است که می‌تواند در سال ۲۰۲۴ دونالد ترامپ را شکست دهد و رقابت واقعی نفس‌گیر بین او و ترامپ آغاز شود که نتیجه‌اش ممکن است به سود میشل شود. در واقع درحالی که رهبران دموکرات به طور علنی پشت سر جو بایدن جمع شده‌اند تا نامزد رویایی آنها برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ باشند، در پشت صحنه، دموکرات‌ها همچنان درحال بررسی بهترین گزینه رهبری برای حزب هستند که می‌تواند در سال ۲۰۲۴ در مقابل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا پیروز شود. داگلاس مک‌کینون، مقام سابق کاخ سفید و پنتاگون معتقد است، اگر بایدن یا کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور نخواهند یا نتوانند در انتخابات پیش‌رو نامزد شوند، دموکرات‌ها می‌توانند بسر گزینه‌ای با دوام‌تر با سابقه‌ای درخشان‌تر تمرکز کنند. به نظر می‌رسد شاهین بخت و اقبال میشل اوباما، همسر رئیس‌جمهور سابق ایالات‌متحده را نشانه رفته باشد، چرا که از نظر دموکرات‌ها او ستاره‌ای است که بر سینه ۸ سال ریاست‌جمهوری باراک اوباما می‌درخشیده است. اگرچه او بارها هرگونه تمایل به کسب مقام را رد کرده اما اخیراً و بنا به نظر نزدیکان او نسبت به پذیرش احتمالی پیشنهاد حزب دموکرات روی خوش نشان داده است. میشل اوباما، ۵۹ ساله، از نظر سنی ظرفیت این را دارد که با بایدن رقابت کند و حتی در انتخابات ریاست‌جمهوری دل‌رای‌دهندگان مدرن‌تر آمریکایی را با تفکرات نوآندیشانه خود بربواید.

احتمال نامزدی میشل اوباما

براساس مقاله اخیر پویتیکو، بایدن از سوی برخی «دموکرات‌های سطح بالا» که ممکن است تنها از رئیس‌جمهور حمایت کنند با شک و شبهه مواجه است زیرا از این هراس دارند که بایدن در میانه راه از انجام وظایف خود جا بزند و آنها دیگر گزینه‌ای برای رقابت با ترامپ که در کارزارهای خود بسیار پر قدرت ظاهر شده است، نداشته باشند. دموکرات‌های سطح بالا برای انتخاب مجدد رئیس‌جمهور بایدن اجماع دارند، نه به این دلیل که فکر می‌کنند این به نفع کشور است که پیرمرد ۸۲ ساله برای دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری خود را آغاز کند، بلکه به این دلیل که از جایگزینی بالقوه او می‌ترسند که می‌تواند کاملاً هریس نزدیک

به طیف چپ حزب دموکرات باشد. در سال ۲۰۲۰ بایدن و معاون رئیس‌جمهور هریس، زمانی ترامپ را شکست دادند که بیش از هر گزینه ریاست‌جمهوری دیگر در تاریخ ایالات‌متحده رای آوردند. اما تنها سه سال بعد، بایدن نه تنها دیگر محبوب نیست که لغزش‌های کلامی متعدد باعث ددسرهایی برای تیم مطبوعاتی کاخ سفید شده است. براساس گزارش پویتیکو، یک سناتور در نشست انجمن ملی فرماندار در ماه فوریه تا آنجا پیش رفت که این پرسش را مطرح کرد که آیا بایدن برای کارزار تبلیغات ریاست‌جمهوری استقامت لازم را داشته باشد یا خیر. بایدن در انتخابات اولیه خود در طول همه‌گیری ویروس کرونا که محدودیت سفر داشت، پیروز شد و بیشتر وقت خود را از دفتر خود صرف تبلیغات انتخاباتی کرد. پویتیکو همچنین گزارش داد که در همان جلسه زمستانی حزب دموکرات، یکی از اعضای کنگره گفت که هریس دیگر نمی‌تواند، گزینه مناسبی باشد و سایر نامزدها همچون هیلاری کلینتون ۷۵ ساله، کری ۷۹ ساله و ال گور ۷۴ ساله نیز در شانس چندانی برای شکست ترامپ نخواهند داشت. حال که همه گزینه‌ها رد شده است به نظر در صورت عدم اجماع احتمالی بر سر جو بایدن، دموکرات‌ها به سمت چهره‌ای که هم سیاه‌پوست است، هم نسبتاً جوان و از همه مهتر زن است.

تقابل ترامپ و میشل اوباما

ایالات‌متحده با انتخاب باراک اوباما، نخستین رنگین‌پوست تاریخ خود را به مقام ریاست‌جمهوری منصوب کرد. اما تاکنون هیچ زنی نتوانسته است به این جایگاه برسد. اگر گزارش‌های رسانه‌ها درست باشد، میشل اوباما، بانوی اول سابق به احتمال زیاد به انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ می‌پیوندد و با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات‌متحده مقابله می‌کند. سیندی آدامز در مقاله‌ای که در نیویورک پست نوشته است، گفته که میشل اوباما ممکن است به دنبال ورود به رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ باشد. او با رد نامزدی جو بایدن می‌نویسد: «بایدن اهل مناظره نیست، او حتی نمی‌تواند چیزی را از رو بخواند. پس باید او را فراموش کنیم و به گزینه‌ای جدیدتر بیندیشیم». هرچند گزینه میشل اوباما جدی نیست، به نظر می‌رسد، دست‌کم بخشی از دموکرات‌ها را به فکر واداشته است تا نو را جایگزین کهنه کنند. پیش از این نیز میشل اوباما در مقابل ترامپ قرار گرفته است اما نه به‌عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری. او در سال ۲۰۱۶ از هیلاری کلینتون نامزد دموکرات‌ها حمایت کرد و چندین سخنرانی برجسته به نفع او انجام داد. ازجمله سخنرانی در کنوانسیون ملی دموکرات‌ها در فیلادلفیا در سال ۲۰۱۶. او همچنین چندین بار در مبارزات انتخاباتی در جلسات انفرادی با مشترک با کلینتون ظاهر شد. در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۶ اوباما به شدت از دونالد ترامپ، نامزد

جمهوری خواه ریاست‌جمهوری به خاطر اظهاراتی که در یک ضبط صوتی در سال ۲۰۰۵ حین گردهمایی کلینتون در منجستر، نیوهمپشایر بیان کرد، انتقاد کرد. یک هفته بعد، ترامپ تلاش کرد تا اظهارات گذشته میشل اوباما در رابطه با کلینتون در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ را احیا کند. در ماه مه ۲۰۱۷ میشل اوباما در جریان حضور در کنفرانس مشارکت برای یک آمریکای سالم‌تر، دولت ترامپ را به دلیل تأخیر در اجرای الزام فدرال که برای افزایش استانداردهای تغذیه‌ای برای ناهار مدرسه طراحی شده بود، سرزنش کرد.

سیاست‌های احتمالی در قبال ایران

به نظر می‌رسد سیاست‌های احتمالی میشل اوباما، در صورت نامزدی و البته شکست دونالد ترامپ و دستیابی به کاخ سفید، در قبال ایران کم‌بیش همان سیاست‌های باراک اوباما باشد. راهبرد امنیت ملی ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۵ استفاده بالقوه از سلاح‌ها و مواد هسته‌ای که تهدیدی جدی برای امنیت ملی این کشور باشد را ممنوع می‌داند و مصمم است از هر برنامه هسته‌ای به ادعای ایالات‌متحده مخاطره‌آمیز جلوگیری کند. برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اما بارها از سوی غرب با چالش مواجه شده است که در نهایت در سال ۲۰۱۵ و در قالب برجام ظاهر آختم بخیر شد. اما خروج دولت ترامپ از این پیمان، راه را برای تنش ایران و ایالات‌متحده باز کرد. در سال ۲۰۲۵ صرف‌نظر از اینکه چه کسی در رأس واشنگتن قرار خواهد گرفت، تنش بر سر برنامه هسته‌ای ایران ادامه خواهد داشت اما در فضای حاکم بر کاخ سفید در اشغال احتمالی میشل اوباما، سیاست‌ها به نظر به سمت دیپلماسی پویاتری از دوران باراک اوباما پیش خواهد رفت، هرچند فضای سال ۲۰۲۵ احتمالاً در پی درگیری‌های خاورمیانه و جنگ در اوکراین قطعاً متفاوت خواهد بود. ایران سال ۲۰۲۵ نیز قطعاً با ایران سال ۲۰۱۵ به کلی متفاوت است. به نظر با دور شدن روسیه از غرب، برنامه هسته‌ای ایران نیز در آینده، روندی متفاوت از سال ۲۰۱۵ را طی کند ولی در پیروی و همفکری میشل اوباما از همسر، باراک اوباما خود شکی نیست. اگر سیاست اوباما در سال ۲۰۱۵ بر دیپلماسی همراه با فشار بر ایران بسته شده بود، در سال ۲۰۲۵ نیز کم‌وبیش همین سیاست بر کاخ سفید حاکم خواهد بود. اما نکته اینجا است که نظم و شکل جهان به کلی تغییر کرده است و ایران به نظر در دوران بایدن توانسته است راه دور زدن تحریم‌ها را یکی پس از دیگری بگشاید. در دولت بایدن، ایالات‌متحده گسترده‌ترین مجموعه تحریم‌های جامع را علیه ایران، ازجمله تحریم‌های مربوط به فروش غیرقانونی نفت ایران، حفظ کرد اما این تحریم‌ها نیز راه به جایی نبرده است و به احتمال زیاد در دوره بعدی ریاست‌جمهوری نیز راه به جایی نخواهد برد چرا که در سه سال اخیر در دوره بایدن، به نظر او با سیاست عدم تمرکز بر خاورمیانه و تمرکز بر رقابت با چین عملاً فرصت دیپلماسی را در برنامه هسته‌ای ایران از بین برد و جهان اکنون منتظر رئیس‌جمهور جدید در رأس کاخ سفید است. اگر میشل اوباما باشد با توجه به سوابق همسرش، باراک اوباما، دیپلماسی فعال‌تر خواهد شد. اما در مورد ترامپ قطعاً سیاست فشار حداکثری دوباره باز خواهد گشت.

«آگهی مناقصه بهره‌برداری، تعمیرات و نگهداری از طرح آبرسانی»

محور بن بروجن و مجموعه خطوط اصلی و فرعی»-نوبت دوم

شماره فراخوان(۲۰۰۲۰۱۱۲۵۰۰۰۰۲۴)

شناسه آگهی ۱۶۵۴۰۷۵



شرکت آب منطقه‌ای چهار محال و بختیاری در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی مناقصه گران مناقصه بهره‌برداری، تعمیرات و نگهداری از طرح آبرسانی محور بن بروجن و مجموعه خطوط اصلی و فرعی با شماره ۲۰۰۲۰۱۱۲۵۰۰۰۰۲۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت استعلام‌های ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه تا ارائه استعلام‌های تکمیل شده و اسناد و مدارک مربوطه، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لذا از شرکت‌های واجد صلاحیت دعوت می‌شود به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس فوق‌الاشاره مراجعه و اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی را تا ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ دریافت نمایند. ضمناً در صورت نیاز می‌توانید با شماره ۰۳۸-۳۳۳۵۰۷۴۱ دفتر قراردادهای شرکت آب منطقه‌ای چهار محال و بختیاری تماس حاصل نمایید، شرایط حاکم بر پروژه به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- کارفرما: شرکت آب منطقه‌ای چهار محال و بختیاری
- ۲- محل تأمین اعتبار: جاری
- ۳- مبلغ برآورد ۹۸/۸۳۹/۵۹۱/۹۴۱ ریال
- ۴- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: به میزان ۴,۹۴۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال
- ۵- مدت انجام کار: ۱۲ ماه
- ۶- شرکت‌هایی می‌توانند در این مناقصه شرکت نمایند که دارای گواهینامه صلاحیت بهره‌برداری از تاسیسات آب شرب رتبه حداقل ۴ رسته تأمین، انتقال و توزیع از شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور را داشته باشند.
- ۷- آخرین مهلت ثبت و بارگذاری استعلام‌های تکمیل شده ارزیابی کیفی و پاکات مناقصه (الف، ب و ج) در سامانه ستاد: روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ ساعت ۰۹:۰۰ صبح
- ۸- تاریخ و محل تسلیم پاکت الف (تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار) (پاکت فیزیکی): روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ حداکثر ساعت ۰۹:۰۰ صبح- آدرس شهرکرد -خیابان هفت تیر شرکت آب منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری - طبقه اول - دفتر حراست و امور مجرمانه شرکت آب منطقه‌ای چهار محال و بختیاری.
- ۹- زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه (الف، ب و ج) و سند استعلام ارزیابی کیفی: روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ ساعت ۱۰:۰۰ صبح، شهرکرد-خیابان هفت تیر شرکت آب منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری - طبقه همکف -دفتر قراردادهای شرکت آب منطقه‌ای چهار محال و بختیاری.

روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای چهار محال و بختیاری